



# ۱۲۴

# سوسیالیسم امروز

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۵ مه ۲۰۲۰

S\_zijji@yahoo.se

سلام زیجی

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

**گفتگو با سلام زیجی در باره :  
نگاهی به روز جهانی کارگر،  
جدال بر سر حداقل دستمزد،  
زندانیان سیاسی و پدیده شنیع اعدام،  
و موضع کارگری در قبال تحریم اقتصادی**

صفحه ۷

## انقلاب پرولتری و حکومت کارگری

سخنگویان و ایده پردازان بورژوا، مارکسیسم و کمونیسم کارگری را متهم میکنند که مبلغ اعمال قهر و خشونت برای رسیدن به اهداف اجتماعی خویش است. واقعیت اینست که این خود نظام بورژوازی است که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است. خشونت علیه جان و جسم انسان ها، خشونت علیه عواطف و اذهان آنها، خشونت علیه امید و تلاش آنها برای بهبود زندگی و دنیای خویش. نظام کار مزدی، یعنی اجبار هر روزه اکثریت عظیم جامعه به فروش توان جسمی خویش به دیگران برای امرار معاش، سر منشاء و چکیده کل خشونت ذاتی این نظام است. زنان، کارگران، کودکان، سالخوردهگان، مردم مناطق محروم و عقب مانده تر جهان، هر کس حقی را مطالبه میکند و علیه ستمی بلند میشود، و هر کس و همه کس که در جامعه موجود مهر تعلق به این یا آن "اقلیت" به پیشانی وی کوفته شده است، قربانی مستقیم و هر روزه خشونت عریان نظام موجود است. جنگ و مردم کشی، اساسا در پی رقابت سرمایه ها و قطب های اقتصادی، در این نظام ابعاد خیره کننده ای پیدا کرده است. تکنولوژی سلاحهای انهدام و کشتار جمعی از تکنولوژی تولید به مراتب پیشرفته تر است. زرادخانه بورژوازی در سطح بین المللی برای انهدام چندین و چندباره کل کره ارض کافی است. این نظامی است که سلاح های مخوف اتمی و

صفحه ۲

**بخشی از قطعنامه ها و بیانیه های روز اول مه ی،  
روز جهانی طبقه کارگر در ایران**

صفحات ۱۳-۱۹

**تصاویری از اول مه سال ۹۹ در ایران**

صفحه ۳

**بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره روز جهانی طبقه  
کارگر (۲۰۲۰-۱۳۹۹)**

**اول مه، روز اعلام همبستگی طبقاتی  
و نه سوسیالیستی به نظام سرمایه داری!  
روز اتحاد و اعتراض صف مستقل کارگری  
علیه نظام فاشیست اسلامی!**

صفحه ۴

**تراکتهای اول مه**

صفحات ۲۰-۲۱

**پیام سلام زیجی به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر**

صفحه ۲۲

**کارگران جهان متحد شوید!**

انقلاب کارگر و ...

شیمیایی را عملاً علیه توده مردم بکار برده است. و بالاخره علاوه بر همه اینها، جامعه بورژوازی میتواند به پیشرفت های خیره کننده اش در تبدیل جنایت، قتل و تعدی و تجاوز به امری عادی و هر روزه در زندگی عموم مردم، مفتخر باشد.

آیا چنین نظامی میتواند بدون آنکه مردم کارگر و زحمتکش به زور متوسل شوند، از سر راه رهایی انسان و محو همیشگی خشونت کنار زده شود؟ در هیچ گوشه ای از تئوری کمونیسم، اعمال قهر بعنوان جزء لاینفک و ذاتی انقلاب کارگری ضروری دانسته نشده است. اما هر کس با اندک شناختی از جامعه موجود اذعان میکند که طبقه حاکم خود را با مسالمت از برابر اراده اکثریت عظیم جامعه برای تغییر نظام موجود کنار نخواهد کشید. اگر دفاع از منافع و مصالح روزمره بورژوازی و وظیفه دولت و دستگاه سرکوب است. دفاع از نفس موجودیت سرمایه داری و مالکیت بورژوازی به طریق اولی فلسفه وجودی آن را تشکیل میدهد. اگر مطالبه اضافه دستمزد یا آزادی بیان در این جامعه پای دولت و پلیس و ارتش را به میان میکشد، میتوان تصور کرد که تلاش برای خلع ید اقتصادی و سیاسی از بورژوازی با چه عکس العمل و مقاومت قهرآمیزی روبرو خواهد شد. خشونت بورژوازی و دولت او علیه انقلاب کارگری، علیه اراده اکثریت عظیم مردم که زیر پرچم طبقه کارگر برای برقراری یک جامعه نوین به پا میخیزند، امری عملاً اجتناب ناپذیر است.

انقلاب کارگری باید دولت بورژوازی را به زیر بکشد. مقاومت بورژوازی در برابر انقلاب و بویژه در مقابل اشتراکی شدن وسائل تولید، حتی پس از در هم شکسته شدن قدرت دولتی اش ادامه خواهد یافت. از اینرو تشکیل یک حکومت کارگری که این مقاومت را خنثی کند و فرمان انقلاب را به اجرا در بیاورد، امری حیاتی است. حکومت کارگری نیز، نظیر هر حکومت دیگر، حکومتی مافوق جامعه و طبقات نیست. حکومتی طبقاتی است. اما این حکومت، که به همین اعتبار در تئوری مارکسیسم دیکتاتوری پرولتاریا نامیده شده است، دولت اکثریت استنثار شده جامعه برای دیکته کردن حکم آزادی و برابری انسان ها به طبقات استثمارگر و فائق آمدن بر تلاش ها و توطئه های آنهاست. از نظر شکل، حکومت کارگری یک دولت آزاد است که تصمیم گیری و اعمال اراده مستقیم خود توده وسیع مردم کارگر و زحمتکش در جامعه را سازمان میدهد. حکومت کارگری بنا بر ماهیت خویش حکومتی گذرا است که با تحقق اهداف انقلاب ضرورت وجودی خود را از دست میدهد و زوال پیدا میکند.

(بر گفته از برنامه یک دنیای بهتر حزب سوسیالیست انقلابی ایران)



Uganda Flüchtlinge aus Südsudan

سازمان ملل متحد با نگرانی شدید هشدار می دهد که از اواسط دهه جاری به این سو رقم گرسنگان جهان به شدت رو به افزایش می باشد. این در حالیست که سازمان ملل سال ۲۰۳۰ را به عنوان هدفی برای پایان بخشیدن به گرسنگی تعیین کرده بود.

براساس گزارش سازمان ملل متحد که روز دوشنبه در نیویارک منتشر گردید، در سراسر جهان بیش از ۸۲۰ میلیون انسان از گرسنگی رنج می برند.



زندگی به سبک افراد لاکچری و پولدار جهان

پول و ثروت می تواند زندگی انسان را به طور کلی تحت تاثیر قرار دهد. زندگی در برترین محل شهر و خودروهای آن چنانی و خرج های از ویژگی های ثروتمند بودن هست. ثروتمند و افراد میلیاردی زندگی متفاوتی در همه نقاط جهان دارند برای خرید لباس چند صد میلیون دلار در ماه خرج می نمایند اجناسی که با برندهای معتبر می باشند

را گزینه می نمایند خیلی از وسایل شخصی آن ها از طلا می باشد هواپیماهای شخصی دارند اشتراک در اقتصاد باعث شد تا افراد زیادی بتوانند به سبک زندگی ثروتمندان نزدیک شوند. شرکت هایی از قبیل نتجت «NetJets»، گت مایبوت «Getmyboat» و ثردوم «Thirdhome» زندگی افراد ثروتمند عادی را به سبک زندگی ابرثروتمندان ارتقا دادند.

هزینه های نظامی در سال ۲۰۱۹ بیش از هر سال دیگری در دهه گذشته افزایش یافت و برای اولین بار دو کشور آسیایی پس از آمریکا در رتبه دوم و سوم قرار گرفتند.

بر اساس گزارشی که انستیتو بین المللی پژوهش های صلح استکهلم موسوم به «سنیپری» تهیه کرده است، در سال ۲۰۱۹ تمامی کشورهای جهان در مجموع ۱.۹ تریلیون دلار به هزینه های نظامی اختصاص داده اند. این رقم به نسبت سال ۲۰۱۸ حدود ۳.۶ درصد افزایش نشان می دهد.

نن تیان، یکی از پژوهشگران این انستیتو، به خبرگزاری فرانسه گفت: «هزینه های نظامی در جهان به بالاترین میزان از زمان پایان جنگ سرد رسیده است». دلیل اصلی آن نیز افزایش بودجه نظامی آمریکا و سایر کشورهایی است که در صدر این جدول قرار دارند.

به عنوان نمونه، بودجه نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۹ حدود ۵.۳ درصد افزایش یافته و سهم این کشور به تنهایی ۳۸ درصد کل هزینه های نظامی در جهان است. بودجه نظامی آمریکا پس از هفت سال کاهش، در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ افزایش یافته و به ۷۳۱ میلیارد رسیده است.

در عین حال برای اولین بار در سال ۲۰۱۹ دو کشور آسیایی پس از آمریکا در جهان بالاترین بودجه نظامی را داشتند.

چین با ۲۶۱ میلیارد دلار و جهشی ۵.۱ درصدی به نسبت سال قبل در رتبه دوم و هند با ۷۱.۱ میلیارد دلار و جهشی ۶.۸ درصدی در رتبه سوم قرار گرفتند.

سازمان ملل می گوید شمار آوارگان جهان از ۷۰ میلیون نفر گذشته است

صلوات و سرکوب کارگران



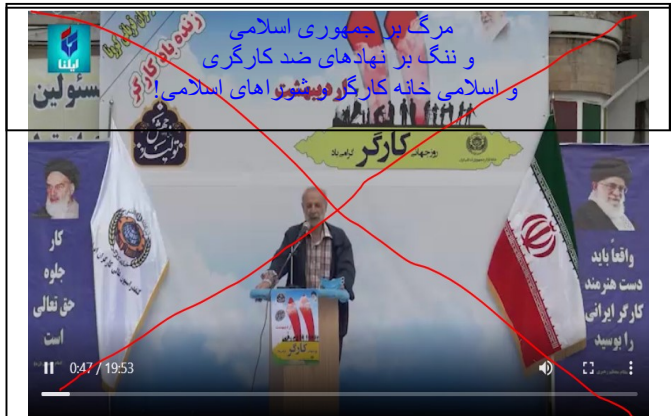
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تصاویری از اول ماه سال سال ۹۹ در ایران



Mariam Afrasiabpour  
8 tim

گرامی از سمندهج بمناسبت روز جهانی کارگر امروز ان ساعت ۱۰ صبح در میدان آزادی این شهر جمعی از فعالین حقوق زن در سمندهج بمناسبت روز جهانی کارگر در میان کارگران فصلی که هر روزه در این مکان برای پیدا کردن کارجمع می کنند حضور یافتند. این تجمع با سخنرانی کوتاهی از طرف یکی فعالین زن ضمن تبریک این روز برایشان آرزوی پایان فقر و بیکاری از این شرایط اسفندار نمود که مورد استقبال کارگران هراس گزشت سیم کارهای اهدایی همراه شیرینی در میان کارگران تقسیم شد.



نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره روز جهانی طبقه کارگر (۲۰۲۰-۱۳۹۹)



## اول مه، روز اعلام همبستگی طبقاتی و نه سوسیالیستی به نظام سرمایه داری! روز اتحاد و اعتراض صف مستقل کارگری علیه نظام فاشیست اسلامی!

گرفته تا اروپایی "مدرن" و تا آسیایی مرکز تحمیل کننده ارزانترین نیروی کار به کارگران و تا دیگر کشورهای اسلام زده و خرافی و مرتجع در خاورمیانه و منطقه.

سالی که گذشت متأسفانه باز هم سال نظام سرمایه داری و حاکمیت دولتهای حافظ این مناسبات و نظام استثمارگر و ضد انسانی بود. سالی باز هم مملو از درد و رنج شهروندان و تعرض افسارگسیخته به حقوق اولیه کارگران، سال گسترش بیکارسازیهها و تحمیل فقر هر چه بیشتر، سال تداوم مانور و قلدری نظامی و جنگ و تروریسم و وحشی گری حاکمان سرمایه داری و حامیان ریز و درشت آنها بود، که بجز سرکوب و تحمیل بیحقوقی و تعرض به کارگر و سوسیالیسم و انسانیت، و بجز از بین بردن جان و زندگی چند برابر بیشتر از ویروس کرونا، هیچ دستاوردی برای بشریت نداشته است.

ویروس کرونا با وجود همه مشقتهای که به همراه داشته، اگر تنها یک درس برای بشریت متمدن به همراه آورده باشد، آنهم این حقیقت انکار ناپذیر است که این جهان یک جهان بشدت غیر انسانی، بشدت ظالمانه و فاسد و مایه شرم بشریت متمدن امروزی است. همه این وقایعها بار دیگر بر صحت درستی این حکم ساده و واقعی سوسیالیسم کارگری و طبقه کارگر تأیید گذاشت که: تا روزی که سرمایه داری یا پرجا است آزادی، برابری، رفاه، امنیت، خوشبختی، آرامش، تندرستی، عدالت و انسانیت برای بیش از ۹۰ درصد انسانها در سراسر جهان یک رویای بیش نیست. تحقق این مهم تنها با از سر راه برداشتن همه وجوه نظام سرمایه داری و دولتهای حاکم حامی و حافظ چنین سیستم ضد انسانی میتوان به یک زندگی و یک جامعه شایسته انسان دست یافت. نه تنها از زمان مارکس تا امروز، بلکه همین دوره دو ماهه ویروس کرونا نیز چنین حقیقتی برای هر انسان چشم و گوش نه بسته و مرعوب و اجیر نشده دست بورژوازی ملموس تر و عینی کرده است.

در این دوره، اما شیوع ویروس کرونا بیش از هر زمانی ضدیت و تناقض چنین نظامی، که از هر نظری در اوج سود ببری و ثروت اندوزی اقتصادی و دستیابی به تکنولوژی و علم پزشکی قرار دارد، با منافع اولیه کارگران و اکثریت شهروندانی که همواره قربانیان ردیف اول این نظام استثمارگر بوده اند بر ملاتر و ملموس تر کرد. این نظام، که برای انهدام چند باره کره زمین دارای انواع تسلیحات کشتار جمعی و از ظرفیتهای نظامی و آتمکشی بسیار بالایی برخوردار است، نهایت ذبونی و بیگانگی و ناتوانی خود را در مقابله با شیوع یک ویروس نه تنها نشان داد که باز هم هزینه های سرسام آور بحران اقتصادی و اجتماعی ناشی از آنرا، نه بر دوش نظام فاسد سرمایه داری و اقلیت میلیاردرهای حاکم و دولتشان، بلکه روی دوش طبقه کارگر و توه های زحمتکش و کم در آمد سرشکن کرده اند. این چهره عریان سرمایه داری است!

ایران تحت حاکمیت بورژوازی و جمهوری اسلامی، یکی از نمونه های بارز توحش و جنایت و استثمار دولتهای حاکم سرمایه داری در جهان است. در دوره ویروس کرونا از روز اول و پنهانکاری آن تا امروز که پایان قرنطینه از جانب دولت فاسد اسلامی اعلام شده است، تنها چیزی که پیشیزی ارزش نداشته و ندارد جان و امنیت کارگران، پزشکان و پرستاران، کارکنان، سالمندان و اکثریت شهروندان است. پدیده ویروس کرونا نیز با قاحت تمام بیش از هر کشور دیگری به عنوان یک "نعمتی الهی" و هدفمند سیاسی و غیر انسانی از جانب حکومت اسلامی مورد سوه استفاده و مهندسی شده قرار گرفته است. که اولاً جنایتهای عظیم و بحرتهای جمهوری اسلامی را لاپوشانی کنند، ثالماً به این بهانه راه برای یورش گسترده باز هم بیشتر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی علیه طبقه کارگر و جامعه متنفر از این رژیم را برای جمهوری اسلامی و کلیت نظام ضد انسانی سرمایه داری در ایران هموارتر کنند. در این شرایط بیش از هر سالی زندگی دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری را به بازی گرفته و ضمن رها کردن افسار سرمایه داران برای بیکار سازیهای گسترده و بدون مانع بطور یکجانبه حداقل دستمزد (۷۵ دلار در ماه) به معنای دقیق کلمه بردگی را به کارگران تحمیل و به تصویب رسانده اند. بر اساس آمارهای رسمی دولتی و اعلام خط فقر اعلام شده از جانب کمیته مزد

اخراج و بیکار سازی در ابعاد صدها میلیونی در اقص نقاط جهان، مجبور کردن کارگران و مردم آسیب دیده به کار کردن در این شرایط هولناک، تلاش برای تحمیل دستمزدهای باز هم کمتر برای کارگران شاغل باقیمانده، بی توجهی آشکار و حتی عامدانه به مرگ بیشمار از سالمندانی که همه عمرشان را برای ساختن این جهان وارونه ساخته اند، و اینکه حتی در جستجوی کسب سود بیشرمانه از راه "خلاصی از حقوق بازنشستگی" ای که مال خود سالمندان و بازنشستگان است، و دیگر موارد مشابه گویایی ماهیت واقعیت سرمایه داری و چگونگی "حل بحرانهای اقتصادی" اش از کانال این نوع سیاستهای ضد انسانی میباشد. سیاستی که هیچگاه منافعش با منافع کارگران و اکثریت جامعه در یک مسیر قرار ننگرفته است و قرار نخواهد گرفت! دولتهای بورژوازی رقابت "اختصاص بودجه برای مقابله با کرونا" را به نمایش گذاشتند، در حالی که دیدیم این بودجه و واریز کردن پولهایی انبار شده ناشی از کار و تلاش میلیاردها کارگر و انسانهایی گرسنه، اساساً برای نجات بحران سرمایه داری و کارخانجات و شرکتهای بزرگ سرمایه داری هزینه شده است، و سهم اکثریت شهروندان آسیب دیده از آن اخراج و بیکار سازی و گسترش فقر، و رفع قرنطینه در جهت به حرکت در آمدن مجدد تولید و سود آفرینی به قیمت قربانی کردن دوباره جان صدها هزار کارگر و کارکن زحمتکش است. این است سهم واقعی ما از "کمکهای" دولتهای سرمایه داری از امریکایی تحت حاکمیت دمکراسی و فاشیسم ترامپ

ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

## بیانیه روز کارگر حزب سوسیالیست انقلابی...

شورای عالی کار و دیگر اظهارات مقامات رژیم اسلامی، که خط فقر را حتی بالای ۸ میلیون تومان اعلام کرده بودند، این دهن کجی و تعرض به طبقه کارگر را بدون مقاومت کافی و با سو استفاده از شرایط حاکم قرنطینه به دروغ تحت عنوان "افزایش ۲۱ درصدی"، در حقیقت به نسبت حداقل دستمزد سال ۹۸ نیز چندین برابری آنرا کاهش داده و زندگی ۶ برابر زیر خط فقر را به طبقه کارگر تحمیل کرده اند.

ضدیت با کارگر و سوسیالیسم و آزادی و برابری در ایران فقط ویژه جمهوری جانی اسلامی نیست!، نه فقط دولت و طبقه حاکمه که حتی بقیه شاخه های رنگارنگ بورژوازی اعم از پوزسیون و اپوزسیون، شونیسم و ناسیونالیسم، شیعه و سنی، ملی گرا و اصلاحگرا، سلطنت طلب و فدرالیست خواه دقیقاً همان سنت و سیاست و آینده ی ضد انسانی، ضد کارگری، ضد رفاه و خوشبختی و ضد آزادی و برابری را نمایندگی میکنند. همه اینها مانند جمهوری اسلامی طرفداران جدی نظام پر از جنایت و جنون سرمایه داری و ارکانهای ایدئولوژیکی و خرافی این نظام طبقاتی و ابزارهای سرکوب و تحمیل جامعه هستند. طبقه کارگر ایران بدون آگاهی بر این واقعیتها و مقابله کردن جدی با آن، بدون جدا کردن صف خود با این صف ارتجاعی بورژوائی، بدون بدست گرفتن

محکم سیاست و پرچم و آلترناتیو سوسیالیستی قادر به رهایی از شرایط فلاکت بار تحمیل شده بورژوازی ایران و دولت و اپوزسیون این طبقه فاسد و دزد و استثمارگر نخواهد شد!

اول ماه مه روز جهانی کارگر است! و یعنی نه گفتن به همه آن دولت و طبقه و احزاب و جنبشهای دست راستی در پوزسیون و اپوزسیون!، یعنی روز نه گفتن سوسیالیستی به نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی!، یعنی روز تعمق به این حقیقتهای تلخ و درد آور: تاکی ستم و استثمار و نابرابری؟، تاکی نسل بعداز نسل مرگ و کار؟، تاکی کودکان کار و خیابانی؟ تاکی کولبری؟ تاکی تحقیر کارگر؟ تاکی ممانعت از ایجاد تشکل و تحزب مستقل کارگری؟ تاکی ما اکثریت کارگران و زحمتکشان کار کنیم اما یک مشت سرمایه دار انگل، یک مشت خرافه پرست ملی گرا و مذهبی و عقب مانده و بازیچه دست سرمایه داران و زورگویان، یک مشت دولتیها و نظامیان سرکوبگر و مفت خور از قیل کار ما زندگی کنند؟ تاکی و چند سال دیگر باید روز جهانی کارگر را برگزار کنیم و مشغول طرح مطالبات بسیار اولیه و نازل باشیم؟، تاکی و چند بار دیگر و چند سال دیگر باید مبارزه و انقلاب و شورش و اعتراض کنیم اما حاصل آن باز به جیب طبقات دیگر برود. تاکی؟ تاکی؟...؟؟. بیدار شو ای غول خفته!، بیدار شو تن خسته ات را از زیر آوار سرمایه داران فاسد بیرون بکش و سرود آزادی و برابری و سوسیالیسم را بر ویرانه های حاکمیت سرمایه داری و دولتهای فاشیست مذهبی و دمکراسی و ملی گرایی شان به صدا در بیاور و حاکمیت انسانی، شورائی و سوسیالیستی ات را اعمال کن!

رفقای کارگر!، رهبران پیشرو و سوسیالیستهای که نمیتوانند لباس خرافات ملی و دینی و حربه های اصلاح طلبانانه و سندیکالیستی و قانونگرایانه و دیگر مزخرفات سیرویس دهنده به بورژوازی بر تن تان بکنند، چرا نباید جنبشمان را بعداز این همه سال و این همه جان دادن و زجر کشیدن بتوانیم متشکل و متحزب و متحد و استوار و به هم

پیوسته در صف دهها میلیونی جنبشمان در ایران به سر انجام رسانید؟، اگر جنبش کارگری جنبشی مملو از اعتراض و تحرک و در جلو همه جنبشهای دیگر اجتماعی قرار دارد، که چنین است، چرا نباید توانست این جنبش و تحرک و اعتراض بیوقفه روزی از روزها به پدیده واحد و متشکل و رزمنده مدافع یکدیگر در همه مراکز تبدیل گردد؟ استبداد، فشار، حربه های سرمایه داران، و بازداشت و سرکوب که به قدمت روز جهانی کارگر و تاریخ نظام سرمایه داری وجود داشته، و در ایران ۴۱ سال تمام است داریم با گوشت و پوست و خون تجربه میکنیم و همچنان تا آنها در حاکمیت باشند این داستان دردناک ادامه خواهد داشت و ما قرار است با چنین واقعیت های بجنگیم و قدرت را از دستشان در بیاوریم! آيا نباید به ضعفهای خود، به ناآمدگی و عدم هوشیاری کافی خودمان و رهبران پیشرومان نیز به اندیشیم و راه

عبور از آنرا، که مانع جدی سر راه پیشروی و اتحادمان علیه سرمایه داران و جمهوری اسلامی است، پیدا کنیم؟. بیانید در روز جهانی کارگر به عمق درد آور این کمبودها به اندیشیم و صمیمانه برای رفع آن دست همبستگی طبقاتی دهها میلیونی خود را در هم گره بزنیم!



رفقا!، نباید اجازه داد دشمنان طبقه کارگر، اعم از دولتی و غیر دولتی و هر نهاد و جریانی که به نظام حاکم خدمت میکند به اسم ما کارگران سخن بگویند!، نباید به هیچ حزب و جریان دست راستی ملی و مذهبی و جنبشهای ملیگرا و مذهبی و احزاب به نام "کمونیست" ملی گرا و یوپولیست و حامیان "جنبش همه باهم، جنبش سرنگونی ایران"، "جنبش خلق کردستان"، جنبش آذر بایجان" و دیگر عناوین مشابه ارتجاعی و ضد کارگری دیگر ما را به فریب خوردن دعوت کنند تا به بورژوازی و طبقه آنها خدمت کنیم، نه تنها نباید به هیچکدام از این نوجه های سرمایه داری پاسخ مثبت داد که رمز پیروزی و پیشروی ما از کانال جدا کردن سیاست و افق و صف خود از آنها میگذرد. رفقا! ما نباید به هیچ وجه در مراسم و نمایشهای دولتی، از جمله در هفته ضد کارگری، هفته کارگر رژیم اسلامی و هیچ راهپیمایی و اقداماتی که احزاب دست راستی و دولتها مبتکر و فعالش هستند شرکت نمود، بر عکس با صدای بلند باید همه شان را در روز جهانی کارگر رسواتر و طرد تر کرد.

رفقا و همزمان! متأسفانه بلائی ویروس کرونا نیز به بالای سرمایه داران و جمهوری اسلامی بر زندگی ما و تحرکات اول ماه مه امثال نیز افزوده شده است. اما این موانع نیز نباید بتواند راهی بکارگیری ابتکارات مفید و ممکن دیگر را برای به صدا در آوردن صدا ضد سرمایه دارانه ما کارگران مسدود و محدود کند. خواباندن کار در همه مراکز، برگزاری مراسمهای انترنیتی در شبکه های اجتماعی، شروع تماس با همه مراکز کارگری و تامین و تجدید اتحاد طبقاتی مان، تولید میلیونها کلیپ کوتاه از جانب فعالین کارگری و کارگران و یخش آن در شبکه های اجتماعی از جانب بخشهای مختلف، تامین اتحاد طبقه برای نه گفتن به حداقل دستمزد بردگی سال ۹۹، دفاع از فعالین در بند، و.. حداقلهای اقدامات ضروری روز جهانی کارگر در این دوره کرونایی میتواند باشد. امروز بیش هر زمانی باید در اشکال مختلف فراخوان سوسیالیستی برای زیرورو کردن جهان ظالمانه سرمایه داری و ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را به صدا در آورد.

← ادامه

زنده باد اول مه، روز جهانی اعتراض و همبستگی طبقه کارگر!

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

بیانیه روز کارگر حزب سوسیالیست انقلابی...

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با وجود موانعهای واقعی و ویروس کرونا امیدوار است با بکارگیری دیگر ابتکارات کارگران و زحمکنتشان و صف آزادیخواهان، با رعایت اکید مخاطرات و ویروس کرونا، بتوانند متحدانه به استقبال اول مه با شکوه در همه مراکز کارگری و شهرهای ایران بروند! حزب در عین حال کل طبقه و رهبران سوسیالیست کارگری را فرامیخواند برای تدارک و رهبری کردن روند پیچیده و سخت سرنگونی تمام بساط جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران بطور جدی خود را آماده کنند، اولین ملزومات آن تامین و تدارک صف مستقل و متشکل و متحزب طبقاتی خود در جدال طبقاتی سختی است که پیش روی خود داریم، و این مبارزه تنها با بدست گرفتن پرچم و آلترناتیو و افق روشن سوسیالیستی طبقه کارگر ممکن میگردد و قادر خواهد شد مسیر پیروزی اش را طی کند. حزب سوسیالیست انقلابی طبقه کارگر را به این مبارزه و به پیوستن به حزب خود، حزب سوسیالیست انقلابی ایران، فرامیخواند.

ما طبقه کارگر ایران را فرامیخوانیم که از هم اکنون تا روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی طبقه کارگر، متحد و یکپارچه پاسخ نه بزرگی را به تصمیم جنایتکارانه حداقل دستمزد سال ۹۹ دولت و سرمایه داران، که پنج تا شش برابر زیر خط فقر قرار دارد، بدهند. باید بتوانیم کل جنبش و طبقه مان را برای گرفتن حق حداقل دستمزد ۸-۹ میلیون، در روز جهانی کارگر، و تا تحقق این مطالبه سرنوشت ساز ادامه داد. همزمان با اعلام مخالفت با شروع بیکارسازیها، اعلام ممنوعیت اخراج، علیه نبود امنیت اقتصادی، و اعلام مخالفت با سیاست رفع قرنطینه از جانب جمهوری اسلامی، به عنوان اقدامات ضد کارگری و ضد انسانی قاطعانه باید ایستاد.

همینجا کل جامعه ایران و به ویژه جنبش های مترقی فرهنگیان، زنان، بازنشستگان، جوانان و پرستاران و صف آزادیخواهان را به حمایت بیدریغ از مطالبات طبقه کارگر و همراه شدن با اقدامات روز جهانی کارگر فرامیخوانیم. هر قدم پیشروی طبقه کارگر بلاواسطه به پیشروی کل جامعه از جمله جنبشها و بخشهای های مترقی و کارکن و زحمکنش جامعه در مقابله با ارتجاع سرمایه داری و جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. از همه شهروندان در شرایط کنونی قرنطینه در کشور میخواستیم در صبح روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگران، به پاس احترام به تلاش طبقه کارگر، برای ادای احترام برای هزاران جانبازخته این طبقه و در حمایت از مطالبات کارگران، و برای آزادی فعالین کارگری در بند، با برافراشتن پرچم سرخ، صدای خود را با طبقه کارگر همصدا کرده و در منازل خود مراسمهای اول مه خانوادگی گرفته و در شبکه های اجتماعی بطور زنده آنرا پخش نمایند.

نه به حداقل دستمزد بردگی تحمیلی سال ۱۳۹۹  
زنده باد اول مه، روز جهانی اعتراض و همبستگی طبقه کارگر!  
گرامی باد یاد کارگران و کودکان کار جانبازخته  
در شهرها و مراکز کار!  
مرگ بر نظام سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد سوسیالیسم!، زنده باد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۰ آوریل ۲۰۲۰  
Iransocialist2017@gmail.com

فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران

نام:

نام خانوادگی:

محل سکونت:

شغل:

علل پیوستن به حزب:

سابقه فعالیت سیاسی:

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را درصوف حزب می شناسید؟

تلفن:

ای میل:

اینجانب ..... با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.  
امضا...  
تاریخ...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال  
درخواست عضویت

www.simroz.org

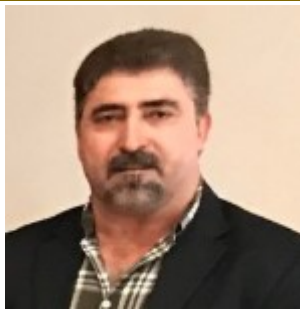
زنده باد واحدهای  
مقاومت انقلابی!  
مرگ بر جمهوری  
اسلامی!

آدرسهای تماس:

Iransocialist2017@gmail.com

S\_zijji@yahoo.se

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!



## گفتگو با سلام زیجی در باره : نگاهی به روز جهانی کارگر، جدال بر سر حداقل دستمزد، زندانیان سیاسی و پدیده شنیع اعدام،

**سوسیالیسم امروز:** روز جهانی کارگر در شرایط و موقعیت تازه تری بخاطر وجود پدیده ویروس کرونا بر گزار شد. با در نظر گرفتن این محدودیت واقعی کرونا، و با توجه به سیاست و تلاشی که شما به عنوان حزب سوسیالیست انقلابی در این زمینه داشتید و به پیش بردید، چه ارزیابی از برگزاری روز جهانی کارگر در ایران دارید؟

**سلام زیجی:** هر خشتی که طبقه کارگر و پیشروان جنبش کارگری-سوسیالیستی در مسیر مبارزه انقلابی و کارگری خود روی هم میگذارند همواره مورد تأیید و حمایت جدی ما بوده است. از اینرو و در این اول مه نیز درود میفرستیم به تلاش و زحمات همه نهادها و فعالینی که در این شرایط سخت، که هم با موانع ویروس قدیمی تر جمهوری اسلامی و سرمایه داری و هم در این دوره با ویروس دیگری به اسم "کرونا" نیز مواجه شده ایم، توانسته اند کم و بیش صدای اعتراض کارگری و صدای همبستگی کارگری را در روز جهانی کارگران را نمایندگی کنند، عمیقاً جای قدر دانی دارد. به همه فعالین و کارگران و آزادیخواهانی که به این مناسبت اقدامی کرده اند درود می فرستم و دستشان را به گرمی می فشارم! در بعد عملی و سازماندهی یک تحرک گسترده طبقاتی در چنین روز و جدالی و اینکه چه سننهای بیشتر عمل کرده اند و بعضاً مانع هستند، نظرم را خواهم گفتم، اما نفس اقدامات صورت گرفته در این دوره و به ویژه دادن بیانیه و قطعنامه های، که با چهارچوب سیاسی و مطالباتی اکثر آنها توافق دارم، و بنظرم عملاً در چهار چوب بیانیه روز اول مه حزب ما نیز قرار دارند، گامی رو جلو و مثبت است، شکی نیست با رفع کمبودهای صورت گرفته و موجود و با به دست گرفتن هر چه بیشتر سننهای مبارزاتی پیشرو و سوسیالیستی میتوانیم این سلسله "قطعنامه" ها و "اعلام مواضع" ها را به یک رونیا رویی واقعی و زمینه در زمین صفت مبارزه طبقاتی و در مراکز کار و زیست علیه دولت و سرمایه داران و دارو دسته های آنها تبدیل کرد.

اما چند نکته فشرده در باره کمبودها: بنظر من ریشه عینی و جنبشی کمبودهای موجد ویژه دوره حاضر ناشی از محدودیتهای دوره کرونا نیست، هر چند که امثال یک عامل مهم پیشگیری از تجمعات و دیگر اقدامات ما بود. بعلاوه، بنظر من حتی فاکتور سرکوب و فشار ترندهای های جمهوری اسلامی، که این نیز بسیار واقعی است، باز نباید به عنوان عامل اصلی و یا تنها عامل علل وجود کمبودهای جدی حاکم بر جنبش اول مه و کل مبارزه و جنبش طبقاتی ما را توضیح دهد و از آن برای توجیه وضع موجود و وجود کمبودها و ناتوانی ها و به بیراهه رفتن ها پیمان بدانیم. این موانع پیش فرضهای جدال یک طبقه و جنبشی است که قرار است با مواجه با همین واقعیتهای سخت پیروزی بر بورژوازی و دولت را کسب کند! این همه تشدد و پراکندگی و این همه کمبود و ناتوانی حتی در برگزاری یک اول ماه مه که برآستی گویای واقعی "اتحاد کارگران"، و نشانه به میدان آمدن یک جنبش عظیم میلیونی کارگری-سوسیالیستی و ضد سرمایه دارانه علیه سرمایه و کار مزدی باشد و پیام آورنده ترس و وحشت قدرت یک طبقه بزرگ پیشرو علیه موجودیت و پیکره دولت و بورژوازی را به نمایش بگذارد، متأسفانه نبوده و نیستیم. چنانچه مانند یوولیستها و یا ناسیونالیستهای چپ، که با چند نمایش

کوچک و بی زیان گوش زمین و زمان را کر میکنند تا عمق بیگانگی خود را با مانیفست کارگری و سوسیالیسم این طبقه و اول مه را در سیاست و اهداف خود پنهان نمایند، بر خود ننماییم، به اساس و ابعاد و خصلت جدال آشتی ناپذیر طبقه خود با شاخه های مختلف بورژوازی و ماهیت واقعی پیام اول روز جهانی کارگر نیز روشنتر و بدون اما و اگرتر پی خواهیم برد. بنظر من با کرونا و بی کرونا، با استبداد و بدون استبداد جنبش ما متأسفانه از یک خلا بزرگ رنج میبرد که تنها ویژه ایران نیست، جهانی و سرتاسری است. خلا فاق روشن سوسیالیستی، خلا ضرورت ابزار سازی جنگ با بورژوازی و کسب قدرت سیاسی، کمبود خودآگاهی کمونیستی و کارگری، خلا درد آور تحزب و تشکل و رهبری جسور انقلابی و سازماندهندگان یک نبرد همه جانبه کارگری و سوسیالیستی، از جمله علیه بنیادهای سرمایه داری و جمهوری بورژوازی هار اسلامی! این حقایق تلخ در تار و پود مبارزه جنبش ما جاری است هر چند که قهرمانانه می جنگند و هر روز قربانی میدهند اما همچنان بعد از بیش از یک قرن در سطح بین المللی، و در ایران حداقل بعد از ۴۱ سال، همچنان در سنگر اول مبارزه و طرح مطالبات اولیه خود در اول مه ها قرار داریم. انکار این خلا ها و ضعفها تنها برای احزاب و فعالین بیربط به سیاست و پراکتیک و استراتژی کارگری و کمونیستی امکان پذیر است. توجیه این کمبودها و حقایقها با "تنوری" مانع استبداد و غیره تلاش درد آور و ملال آور تاریخی است برای توجیه دوری و ناتوانی یک سنت و دیدگاه ادر مقابل سنت و دیدگاه و پراکتیک یک جنبش طبقاتی-انقلابی و سوسیالیستی که موظف است و باید پرچم پیروزی و اتحاد کل طبقه را نمایندگی کند و به سوی پایان دادن به جهان جهمی کنونی گامهای ملموس و جدی بردارد.

ما در ایران بجای قویتر کردن سننهای مبارزه جنبش طبقاتی و ضد سرمایه داری اعصاب و دست از کار کشیدن، و ایجاد نهاد و تشکل کارگری و توده ای، ایجاد کمیته کارخانه و مجامع عمومی و شوراهای کارگری مستقل، به جای ایجاد حزب و سازمان قدرتمند در محل کار و زیست، و به جای تامین صف متحد طبقاتی فعالین و رهبران دلسوز و کارگری در سراسر کشور و مراکز کار، به جای تغییر تناسب قوای واقعی، نه شعاری، در زمین مبارزه علیه سرمایه داران و جمهوری اسلامی و... همواره شاهد تشویق کارگر به پیوستن و حمایت از جنبشهای دیگر، قدرت کارگر را نه در کارخانه در خیابانها دیدن، شاهد طومار نویسی و بازی کردن در میدان فلان ماده در قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی و تفسیر مداوم اوضاع و بلاخره در بهترین حالت توصل به اکیسویسیسم خیابانی و یا گرفتن چند عکس در دره و کوه به مناسبت روز کارگر و غیره هستیم. عرض کردم ما از هر کاری که مثبت باشد حمایت میکنیم اما اگر قرار باشد این اقدامات به عنوان سنت و الگو و راهکار محوری و مجرای اتحاد و مبارزه بخورد ما داده شود باید گفت نه! این موقعیت متأسفانه گویای عقب نشینی جنبش، نشانه تضعیف سننهای قدرتمند کارگری و سوسیالیستی و دور شدن از مبارزه و اعتراض توده ای زیرو رو کننده یک طبقه انقلابی علیه شرایط حاکم است.

متأسفانه ما در ایران با وجود صدها و هزارها فعال خوشنام و تلاشگر، با وجود این همه جنب و جوش و مبارزات گسترده کارگری، همچنان از وجود صفی از رهبرانی که بتواند این جنبش و این طبقه را به

ادامه

**مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## گفتگو با سلام زیجی در باره ...

**سوسیالیسم امروز:** موضوع حداقل دستمزد طبقه کارگر در ایران همچنان مسئله داغ روز جنبش کارگری و اکنون حتی به موضوع میداندار شدن نهادهای "کارگری" دولتی از نوع خانه کارگر و شوراهای اسلامی تبدیل شده. و گویا آنها نیز با تصمیم اخیر شورایی عالی کار جمهوری اسلامی در باره تعیین حداقل دستمزد سال ۹۹ مخالف هستند. نظر شما در این باره چیست و جنبش ما چه کار می تواند بکند؟

**سلام زیجی:** ما باید اول تکلیف دو موضوع را یکبار دیگر روشن کنیم بعد خواهیم گفت چکارهای دیگری میتوان کرد: ۱- اینکه نهادهای دولتی که شما نیز از آنها نام برده اید (و من حتی هذیانگوئی اسلامی- "کارگری" و احقانه محجوب، مسئول خانه کارگر را در مناسک "هفته ضد کارگری" دولت را کامل گوش دادم که در خطاب به دولت می گفت "کاری نکنید بیائیم خیابانها"، یا حرفهای حسن صادقی" رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" و همچنین حرفهای علی اصلانی عضو کانون شوراهای اسلامی و محمد رضا تاجیک "عضو هیات مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگری کشور" را خوانده ام. و طومار اعتراضی که در این باره جمع آوری شده است را نیز مطالعه کرده ام) تنها نتیجه ایی از این همه مزخرفات این نهادها و عناصر شکم سیر دولتی، که به دروغ لباس کارگر بر تن کرده اند و در صدد هستند با نمایش مسخره "مخالفت با دولت" ویا علیه "قانون شکنی" دولت که گویا ماده ۴۱ قانون ضد کارگری شان را رعایت نکرده اند، و حتی خواسته اند قویه قضایه (قوه آدمکش، قوه ضد کارگر و ضد انسانی صادر کننده طولانی مدت زندانی و شلاق برای فعالین همین کارگران که خواهان دستمزد و معیشت در شان انسان بوده اند) "به مسئله دستمزد کارگران ورود کند"، گویایی یک تلاش سازمان یافته علیه منافع و حق اولیه کل کارگران است. همه و همه به دنبال یک هدف واحد هستند: با اندک تغییری در رقم تعیین شده حداقل دستمزد کنونی کل طبقه کارگر را دنبال نخود سیاه بفرستند و خود را نیز منجی کارگران برای چنین تغییرات احتمالی در تصمیم دولت و شورایی عالی کار قلمداد نمایند. اینها شرکایی دولت و کارفرما هستند نه حامی و نماینده طبقه کارگر ایران!

اما اولین پاسخ طبقه ما نه بزرگی به این نهادها و عناصر مزدور و دولتی و پای فشاری بر مطالبه اعلام شده نهادهای کارگری و مدافعان مستقل از دولت در این زمینه است. این تحریکات شاخه های "کارگری" جمهوری اسلامی و سرمایه داران گواه بر عمق تعرض لجام گسیخته و دامنه جنایتکارانه بودن این تصمیم، به هدف ایجاد یک نوع سوپاپ اطمینان برای دفاع از موجودیت و منافع جمهوری اسلامی، ترس از به میدان آمدن جنبش اعتراضی گسترده کارگران در پروسه کاهش موانع های ویروس کرونا علیه شرایط فلاکت بار موجود است. طبقه کارگر ایران خواهان ۸ تا ۹ میلیون تومان حداقل دستمزد مترادف با خط فقر موجود در کشور است! اما این اوباش عقب مانده و مرتجع "کارگری-دولتی" به دنبال دو میلیون هشت صد هزار تومان بر اساس بند دو ماده ۴۱ قانون ضد کاری و نرخ تورم ۴۱،۵ درصدی از جانب بانک مرکزی دولتی هستند که منافعش را همین نهادها با اتکا به همین قانون ضد کارگری و ارقامهای یکطرفه و من در آوردی بانک مرکزی تامین کرده اند. در حالی که ما کارگران می گوئیم نه! نرخ سبب خانوارها، نرخ تورم، میزان حداقل دستمزد (مزد پایه) و چگونگی تصمیمگیری بر سر آنها امر خود ما کارگران و نمایندگان منتخب ما در محل کار است، نه دولت و کارفرما و نهادهای مورد تأیید دولت و سرمایه داران! ما میگوئیم تا این حق و امکان برای ما کارگران تامین نگردد هیچ تصمیمی برای ما پیشیزی ارزش ندارد. برای ما و جنبشمان همه این

عنوان یک طبقه متحد و هدایت کننده، نه اداره کنند صرف صنف یا جمعی از ایران نزدیک به خود، رهبری کنند و بتوانند با اتکا به طبقه دهها میلیونی شان تناسب قوا را عوض کنند، به شدت رنج میبریم. هنوز جنبشمان نیاز فوری به میدان آمدن نسلی از رهبران سازمانده، متحد کننده، سوسیالیست و ضد سرمایه داری در بعد سراسری و محلی دارد. علاوه بر فرض جنایت بیوقفه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری علیه ما کارگران، همچنانکه اشاره شد، وجودضعفهای جدی خود ما نیز فاکتور مهمی در خلق این واقعیتها است. در مواردی که در سالیان اخیر نیز جنبش ما رهبرانی در قامت توده ای-کارگری پرورش داد و به جلو مبارزه راند در اولین تعرض ارتجاع به آنها متاسفانه تنها ماندن، از حمایت عملی طبقه و جنبشمان محروم ماندن، سرکوب شدند، و در ادامه دوباره بر گشتیم سر جای اولی خودمان. اول ماه مه های ما از جمله در امسال به وضوح رنگ و روی این نواقض و عقب نشینی را بر خود داشت.

در یک کلام: با وجود تمام احترامی که برای هر سطحی از تلاش و مبارزه و گرمی داشتهای که برای اول مه از جانب کارگران و فعالین جنبشمان صورت میگیرد دارم، اما شخصا (فکر میکنم برای هر کارگر سوسیالیست و خود آگاه نیز) نه در ایران و نه در هیچ جای در این دنیای وارونه از مراسمها و راهپیمائی های که در روز جهانی کارگر صورت میگیرد نه راضی هستم و نه بخش عمده آنها را متعلق به سنت سوسیالیستی و ضد سرمایه دارانه و روز واقعی کارگرانی که از سرمایه داری نفرت داشته باشند، مارش مستقل و متحد کارگری را به صدا در بیاورند، و خواهان ضرورت انقلاب کارگری و سوسیالیستی باشند، نمی دانم. متاسفانه بخش اعظم اول ماه مه ها پیش از اینکه به ما کارگران ربط داشته باشد عملا به ابزار سخن پراکنی جنبشها و دولتهای بورژوازی و یا به تریبون چپ روشنفکر و بی عمل و بی ربط به طبقه کارگر تبدیل شده است. و این نشانه پیشروی بورژوازی بر علیه جنبش و افکار و سنت و آرمان کارگری و سوسیالیستی ما، این یعنی اگر این حقیقت تلخ را درک نکنیم صد سال دیگر نیز باید همچنان به این شرایط تن در دهیم، و یا در ایران در بهترین حالت به چند اکسیوین کوچک در فلان گوشه شهری یا به رفتن به کوهها و چند عکس یادگاری اول مه را بگیریم و خیال خود را راحت کنیم و برگرییم سر کار و زندگی تا سال بعد با همان متد و سنت بی زیان برای بورژوازی ماه مه دیگری را برگزار کنیم! این نشد "نقش گورکنان سرمایه داری"!!، این نشد پیام روز جهانی طبقه کارگر!، من به عنوان یک کارگر سوسیالیست عمیقا ضد سرمایه دار مخالف این سنتها و شرایط بسیار نامطلوب حاکم بر جنبش و اول ماه مه هایمان هستم!

میگوئید چکار کنیم؟ پاسخ من همان پاسخها و فراخوانهای است که جریان سوسیالیستی ما در شکل ۴-۵ تراکت ویژه اول مه امثال در شبکه های اجتماعی در دسترس قرار داده است، و مجددا در این شماره ۱۲۴ نشریه نیز آنها در دسترس قرار میگیرند. ما میگوئیم باید از اینجا و با اتکا به این افق و سیاستها شروع کرد، تمرکز اول ماه مه ی بسیج کل طبقه در مراکز مختلف کارگری، خواباندن چرخه تولید، فراخوان صریح ضرورت تحقق جامعه سوسیالیستی و نابودی سرمایه داری و دولت اسلامی، اعلام تنفر از خرافات دینی و مذهبی، و یاقشاری بر صف مستقل کارگری و سوسیالیستی در مبارزه روزمره با دولت و سرمایه داران باید ادامه داد، تا بدین وسیله مسیر پیروزی کارگر و سوسیالیسم را بر ارتجاع سرمایه داری و جمهوری اسلامی هموارتر کنیم.

ادامه

**رنگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!**



## گفتگو با سلام زیجی در باره ...

جانب چندین نهاد و فعال کارگری، (که ظاهراً همه یک درد مشترک دارند، و متأسفانه بخشی از عدم همکاری یا عدم یکصدائی که میان این نهادها دیده میشود ناشی از عوارض سنتهای غیر کارگری و غیر سوسیالیستی و متأثر از سیاست و فرهنگ فرقه ای احزاب چپ و به نام "کمونیست" بیگانه با واقعیت جدال سخت کارگران با حاکمیت نیز است) تلاش کنیم همه فعالین و نهادهای که قلباً و مستولانه برای پیشروی، اتحاد، سعادت و آزادی هم طبقه ای هایش فعالیت دارد، حول یک پلتفرم مشترک گرد هم بیایند و راه برای یک اعتراض توده ای کارگری را فراهم کنند. فعالین جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میتوانند با ایجاد شبکههای اجتماعی واحد کارگری رابطه گسترده و میلیونی در صفوف جنبشمان و بین فعالین صادق و سوسیالیست و پیشرو ایجاد نموده، و عملاً، ولو در شکل مجازی هم، بتوانیم یک نهاد و تشکل دربرگیرنده صدها هزار و چه بسا میلیونها کارگر را سر و سامان داد، در دوره کنونی کرونا و شرایط ناهموار آن چنین اقداماتی به مراتب ضروری تر شده است. طبعاً با این بستر سازی باید در زمین واقعی مبارزه در محل کار و زیست اقدام به ایجاد تشکلهای توده ای و شورای طبقه کارگر نمود و به نهادهای کوچک و صنف خود بسنده نکرد و راضی نشد. بنظرم با این حداقلهای از سازماندهی عملی مکانیزم تشکلیاتی طبقه کارگران ما قادر خواهیم شد نه تنها ترندهای نهادهای ضد کارگری از نوع خانه کارگر و شورای عالی کار و شوراهای اسلامی را خنثی کنیم که راه مبارزه واحد طبقه ای علیه دولت و شورای عالی کار را بیش از پیش هموارتر خواهیم کرد.

بدینتر تیب مبارزه ما برای افزایش حداقل دستمزد تنها از راه تلاش برای ایجاد فوری تشکلیاتی مستقل کارگری، اتحاد طبقه ای و سوسیالیستی، به هم پیوستن میلیونها کارگر برای چنین امری و انتخاب نمایندگان واقعی خود و تحمیل آن به دولت و کارفرمایان و شورای عالی کار میگذرد. در غیاب چنین تلاشی امکان تغییر تناسب قوا و پیشروی واقعی برای جنبشمان وجود ندارد.

**سوسیالیسم امروز:** موضوع زندانیان سیاسی و پدیده اعدام به قدمت تاریخ سیاه جمهوری اسلامی و حکومتهای بورژوازی وجود داشته است، اما در دوره اخیر در ایران به واسطه ویروس کرونا موقعیت ویژه تری پیدا کرده و ماشین اعدام جمهوری اسلامی از نو فعالتر شده است. مبارزه برای آزادی زندانیان و ممانعت از اعدام چه جایگاهی در مبارزه ما کارگران و مردم آزادیخواه دارد؟ و چرا جمهوری اسلامی در شرایطی که ویروس کرونا هر روز جان صدها نفر را میگیرد آنها نیز همزمان شروع به جان گرفتن زندانیان و سرکوب کرده اند؟

**سلام زیجی:** در اینجا چند سطح بحث هست اجازه می خواهم جداگانه به آنها اشاره فشرده ای داشته باشم: ۱- از بخش آخر سوالتان شروع کنم. اینکه چرا جمهوری اسلامی هر روز در این شرایط جان انسانها را میگیرد این جنایتها ویژه این شرایط نبوده و نیست. جمهوری اسلامی جمهوری اعدام و جنایت بوده و هست، یک فاکتور مهم فرو نریختن دیوار نظام جمهوری اسلامی، "بازسازی" این دیوار از راه کشتار و اعدام و تلبار کردن هر باره انبوهی از جنازه انسانهای است که کم و زیاد این نظام خون و جنون و به معنای دقیق کلمه وحشی و کثیف و لجنی را نمی پذیرند. هر شرایطی که برای مردم عادی و زندگی شهروندی سخت و دشوار و پرهزینه باشد برای چنین رژیمی درست بر عکس روزنه عروج و قدرت گیری و اعمال قدرتی بیشتر، راه ایجاد اعمال ترس و وحشت بیشتر در جامعه و به عنوان "نعمت الهی" برای خود و شرایط مطلوب برای کنار زدن عوامل "خطر" اجتماعی سر راهشان و عبور دادن کل نظامشان از بحرانهای متعددی

تلاشها و امار و ارقامهای یکجانبه دولتی (سرمایه دار اصلی و حاکم) بوج و فاقد اعتبار هستند. اینها دوباره با سو استفاده از شرایط قرنطینه و مخاطرات ویروس کرونا برای کارگران بی شرمانه به دنبال تعرض باز هم بیشتر اقتصادی به سفر خالی کارگرانند. به دنبال بدست گرفتن نبض و کنترل صدای اعتراض کارگری علیه شرایط غیر قابل تحمل به کارگران در قالب "خانه کارگر و شوراهای اسلامی و انجمنهای صنفی" وابسته به حاکمیت هستند. روشن است که هیچ کارگر و فعال کارگری نه تنها به دام این دشمنان گرفتار نخواهد آمد، بلکه خود راساً و متحدانه برای تحقق مطالبه ۸-۹ میلیون تومان و گسترش مبارزه مستقل خود در سال جاری در تلاش پیگیر برای بیرون کشیدن بخشی از حق خود از حلقوم جمهوری ضد کارگری اسلامی به میدان خواهد آمد.

۲- گفته میشود موضوع حداقل دستمزد شامل حداقلی از طبقه کارگر میشود. اما این ادعای درستی نیست و نباید هیچ تأثیر بر امر مهم مبارزه ما در این زمینه بگذارد. اولاً بنا به آمار رسمی خود جمهوری اسلامی حداقل ۱۱ تا ۱۲ میلیون کارگر (و عملاً نزدیک به ۳۰ میلیون عضو خانواده کارگری) را مستقیماً شامل میشود، ثالثاً هر تصمیمی در این باره فوری بر سر نوشت دستمزد و زندگی بخشهای دیگر از جمله کارگران شاغل در مراکز کار زیر ده نفره و یا حتی بر بخشهای از مراکز بزرگ صنعتی نیز تأثیر بلاواسطه خواهد گذاشت. به گونه ای به هر درجه ای ابعاد ریاضت کشی اقتصادی از کانال تحمیل رقم پائین تر "حداقل دستمزد سالانه کارگران" تحمیل شود فوراً همه بخشهای کارگری که حتی تحت این پوشش هم نیستند تحت فشار و مجبور به تقبل دستمزد ماهانه کمتر، روز مزد کمتر و غیره قرار خواهند گرفت. عملاً به شاخص حقوق و پرداخت دستمزد برای همه مراکز کار تبدیل میشود و بر این اساس زندگی بخشهای مختلف طبقه را مورد تعرض قرار میدهند. به علاوه موضوعات مانند بیکاری، بیمه، خط فقر، حقو بازنشستگی ها و غیره نیز تحت تأثیر چنین تصمیمی قرار خواهند گرفت. تصمیم ضد کارگری و غیر انسانی دولت و شورای عالی کار مستقیم و غیر مستقیم به معنی تحمیل نیروی کار به مراتب ارزانتر برای سرمایه داران و مافیای سرمایه داری اسلامی-ایرانی که بدون هیچ ابائی و بدون میج محدودیت "فانونی" بنا به میل خود هم تخم اختلاف و دو دستی در صف کارگران بکارند و هم کل طبقه را از مراکز صنعتی تا معادن و ساختمانی و کورپزخانه ها و قالی باف و شهرداری و غیره را مورد تعرض اقتصادی بیشتر قرار بدهند.

بنظرم این مبارزه برای طبقه ما بسیار حیاتی است. علاوه بر اهمیت بالا بردن رقم حق حداقل دستمزد، امر تشکل و اتحاد طبقه ای و صف بندی در مقابل کلیت سیستم عمدتاً از این کانالها خواهد گذاشت. سر نوشت این جدال مهم نیز مانند بقیه کشمکشهای هر روزه مبارزه طبقه ای ما در گرو پای فشاری و فعالیت گسترده گرایش سوسیالیستی درون طبقه و رهبران عملی و درگیر در این مبارزه میباشد! باید پرچم دروغین "مدافع کارگر" خانه کارگریها و شورای اسلامی را پاره کرد و به شکست کشانید، و خود مبارزه و تحرک اعتراضی دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری را رهبری و سازمان داد.

برای پیشبرد این مبارزه میتوان خیلی کارها کرد که متأسفانه تا حال در این امر مهم کوتاهی زیادی صورت گرفته است. از جمله برقراری تماس فعالین مراکز و بخشها و شهرهای مختلف با یکدیگر، و تلاش برای توافق مشترک حول مطالبه واحد، بردن این پلتفرم به درون همه مراکز کارگری، تبدیل این توافق و تصمیم به امر و مطالبه مشترک

**همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!**

## گفتگو با سلام زیجی در باره ...

میکند و در اشکال مختلف حرمت و حقوق انسانی آنها را زیر پا می گذارند دیگر یک پدیده ساده و کوچکی نیست. این حتی از مقوله جنایت "اعدام" نیز عوارض های منفی اش فراتر می رود. جز به جز این سیاستها علیه کارگران هر کدام و هر روز خود تجسم یک اقدام ضد انسانی بیقوفه و گسترده اعدام کردن است. اعدام انسانیت، اعدام اقتصادی، اعدام زندگی کودکان، اعدام حرمت و زندگی سازندگان جامعه، و اعدام طبقه ای که هر نوع رهائی در کشور بدون نقش و حضور آزادیخواهانه او غیر ممکن است!

این سیاستهای ضد کارگری و زندان و سرکوب فعالین کارگری مهمترین مجرای برای سرکوب کل جامعه و سلب آزادیهای پایه ای از اکثر شهروندان است. حکومتی که این چنین با سازندگان ثروت و سامان و خالقین همه امکانات یک جامعه رفتار کند باید به عنوان تعرض به تک تک احاد شرافتمند جامعه به آن برخورد می شود، می بایست به عنوان پیش درآمد تعرض و به گروه گرفتن نان بیش از ۹۰ درصد جامعه به آن نگرسته می شود. می بایست دفاع از کارگر و مبارزه برای رهای کارگران زندانی در زندانهای جمهوری اسلامی امر و وظیفه هر شهروندی متصور می شود. هراسانی با اندک درک و آگاهی میداند که به گروه گرفتن نان کارگران، یعنی به گروه گرفتن ثروت جامعه از سوی یک مشت سرمایه دار و دولتی دزد و زورگو، و کارگری که در اعتراض به این زورگویی و جنایت نسبت به خود به زندان می افتد مستقیماً به معنی زندانی کردن حرمت و صدای اعتراض و حق و حقوق هر شهروند دیگری که شرافتمندانه زندگی میکند، زحمت میکشد، و شایسته برخورداری از بهترین امکانات رفاهی و آزادیهای سیاسی و اجتماعی است.

متأسفانه عوارض دو سیاست و فرهنگ کثیف شاهنشاهی و اسلامی حافظان مستبد سرمایه داری در ایران کاری کرده که حتی بخش از مردم نیز مهندسی افکار شده و عقل و درایت و نگاهشان به طبقه کارگر و حق و حقوق و حرمت و جایگاه او بر گرفته از فرهنگ و سیاست همین دو نظام فاشیست و ارتجاعی است. بجای کارگران و پرستاران و معلمان و مردم زحمتکش و هر کسی که با درد و رنج و تلاش و کوشش خود نان در می آورند و نان جامعه را نیز می دهند به یک مشت "تحصیل کرده" دولتی و غیر دولتی نفهم و فاقد حداقلی از عقل و شعور و احساس انسانی، به یک مشت مقام مجلسی و نظامی فاسد و دروغگو و دزد و عیاش بیکاره و مزدور، و یا به یک مشت آیت الله و آخوند و سرمایه دار انگل، مفت خور و بی خاصیت و مزخرف یا حتی به نیروهای نظامی و اطلاعاتیها مزدور که شرفشان را هم با اندکی پول فروخته اند احترام بیشتری قائل هستند تا فلان کارگر که همه عمرش را در تولید نفت، و در پتروشیمی و صنایع، و در هفت تپه و ساختمانی و شهرداری و...! صرف کرده اند اما بیش از همه در فقر و شرایط سخت زندگی بسر میبرند! این یعنی بیمار شدن بخشی از جامعه که مخاطراتش هزار بار مخاطره آمیزتر از ویروس کروناها برای رهائی از چنگ جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه متمدن و پیشرفته انسانی است! با چنین فرهنگ قبیحی باید قاطعانه مقابله کرد! این فرهنگ دولا شدن احمقانه برای مقامات و بوسیدن دست کثیف شاه و رهبر و امام و آخوند را باید به گور سپرد!

این نکات بدیهی را یاد آور شدم که بگویم دفاعی که از زندانیان سیاسی و به ویژه از زندانیان کارگری و ارزش گزاری جامعه برای آنها میشود بسیار ناچیز و غیر قابل قبول است، تمام مدیایی بورژوازی جهانی و بخشهای دیگر در پوزسیون و اپوزسیون بورژوا همه در اختیار حمایت و یا لانس کردن بازداشتی متعلق به جنبش خودشان هستند، امثال کروبوی و موسوی جنایتکار شریک رژیم را از ما میکنند به "قهرمان" اما قهرمانان واقعی ما را به باد فراموشی می سپارند! فعالین جنبش ما بدون حمایت مستقیم کارگران و جامعه ی خواهان آزادی و برابری هیچ امید و راه حل دیگری ندارد! نباید این مبارزه در سطح خانوادگی زندانیان و جمعی از فعالین محدود باقی بماند. اگر درک میکنیم که تنبه فعالین سیاسی و کارگری تنبه من و شما شهروند،

فرق نمیکند بهانه جنگ هشت ساله باشد، تروریسم لجام گسیخته باشد، داعش باشد، "ضد انقلاب" باشد، رویداد سیل یا زلزله باشد، یا ادعای "دخالته خارجیها" و هر سناریو ضد مردمی و سختی که برای شهروندان به قیمت جان و مالشان تمام شده و یا هر نوع دروغ و خزعبلاتی که ارکان رهبری فاشیست اسلامی در این ۴۱ سال عرضه کرده همه و همه بسترها و توجیهات و رویدادهای طبیعی و غیر طبیعی بوده اند که این نظام با بدست گرفتن آنها راه تحمیل کردن خود و بقای حاکمیت سپاهش را تامین است. ویروس کرونا نیز یکی از آخرین وقایعی است که نه تنها به یاری این نظام فاسد اسلامی و سرمایه داری رسیده که کل نظام فاسد جهان سرمایه داری از آن در جهت پیشبرد سیاستهای خود و عبور از بحرانهای ویرانگرش که به قیمت بیکار سازی صدها میلیون کارگر و از بین رفتن صدها و چه بسا میلیونها هزار انسان کارگر و تهیدست تمام می گردد، بهره گرفته اند. گسترش اعدامها نیز در این شرایط دقیقاً در این جهت است. جمهوری اسلامی با موجی از اعتراضات در زندانها روبرو شد، تعدادی از زندان فرار کردند، و برای انتقامگیری هم بوده میبایست دست به اعدام جنایتکارانه فراریان دستگیر شده و یا تحویل داده شدها بزنند تا "اقتدا" شان را حفظ کنند. این رژیم میداند دیر یا زود گول خفته کارگری و مردم گرسنه و تشنه رهایی به ناچار به میدان خواهند آمد. در نتیجه از اعدام جنایتکارانه اش در زندانها تا موشک پراکنی هایش در منطقه و نمایش قدرت نظامی و جدالش با امریکا قبل از هر چیزی برای مقابله با روندهای اعتراض آمیز پسا کرونا است. از بازداشت و سرکوب و اعدام زندانی سیاسی و فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی تا سرکوب و اعدام شهروندان "متخلف" و مجرم، با هر تفاوتی که هست، اما یک خاصیت و یک هدف مشترک برای چنین نظام وحشی دارد: ترساندن جامعه از اعتراض کردن، مجبور کردن جامعه به تبعیت از فرهنگ و قوانین و منافع اقتصادی جمهوری اسلامی و دستورات ظالمانه و جنایتکارانه اعمال شده آنها، در یک کلام اعدام ابزار و قتل عمد جمهوری اسلامی به منظور تداوم حاکمیت سپاهش است، نه "اصلاح" و "اجرای عدالت"! اینها حربه و دروغهای شاخدار جمهوری اسلامی و هر نظام ضد انقلابی و ضد مردمی و مستبد و آدمکش و فاشیستی است!

در مقابل اما وظیفه ما هم، ضمن مقابله و مخالفت گسترده و اجتماعی علیه این جنایت، ضمن دیدن این واقعیتهای هولناک، تصمیم به خود سازماندهی و آماده شدن هوشیارانه سیاسی، اجتماعی، کارگری، و مسلحانه برای مقابله با این رژیم در دوره های پیش رویمان است. تا این آمادگی را به وجود نیاوریم و نداشته باشیم و عملی نکنیم، جمهوری اسلامی باز هم از ما خواهد کشت و باز هم قادر به تداوم حاکمیت جنایتکارانه اش با همراهی و همکاری یک مشت مزدور و سرمایه دار و "مردم" کاسه لیس و بیشراف و بزدل و خود فروخته در داخل و خارج کشور خواهد بود.

۲- اما یک جنبه مهمتر این موضوع وجود زندانیان سیاسی بیشمار در کشور و از جمله زندانی کردن و سرکوب مستمر فعالین کارگری است، که بنظر جامعه نباید بیش از این به چنین پدیده ای که به سرنوشت حال و آینده جامعه گره خورده است بی تفاوت و یا کم معترض باقی بماند. در باره هدف از اعدام کردنها گفتیم داستان چه است، اما در باره زندانیان سیاسی بطور کلی و زندانی کردن فعالین کارگری بطور اخص، که برای حق و حقوق اولیه مانند برخورداری از دستمزدی در شان انسان، مطالبه دستمزدهای معوقه خود، حق تشکل و حزب، داشتن حق اعتراض و اعتصاب و پیکت و غیره مبارزه کرده و میکنند اما به وحشیانه ترین شکل ممکن سرکوب میشوند، در خیابانها سر و صورتشان را خونین می کنند، به آنها حکم شلاق دوره قرون و سطی صادر میکنند و تازیانه بر پشت آنها فرود می آورند، آنها را در زندانها مجبور به اعتراف کردن علیه خود

## گفتگو با سلام زیجی در باره ...

"تشویق به فرار زندانی بدون امکان دفاع جامعه یک اقدام نادرست، ماجراجویانه و ناموفق است. مادام که هنوز آن سطح از آمادگی که اشاره شد فراهم نشده است، هر نوع تشویق و تحریک به فرار زندانیان از زندان را یک سیاست نامسئولانه، ماجراجویانه و نادرست در این مقطع ارزیابی میکنیم. ما مخالف سیاست این دسته از اپوزسیون راست و چپ هستیم که بدون هیچ نقش و درک درستی از اوضاع و تناسب قوای واقعی و تنها به صرف "ضد رژیم" بودنشان، درست مانند سیاستشان در قبال سیاست "تحریم اقتصادی"، و دیگر مواضع راست روانه شان، از آنجا که همواره با اتکا به این نوع عوامل بیحاصل و زیانباری میتوانند درک کنند که شانس افزایش سرعت ماشین "سرنگونی" و جنبش "همه با هم بودن" شان بیشتر خواهد شد، هر روز سرگرم فراخوان ضرورت "شورش" کردن و "فرار" کردن در زندانها و دیگر اقدامات مشابه "جنبش سرنگونی طلبانه" هستند، و البته مانند همه سالیان پیش نیز حاضر نیستند هیچ مسئولیتی در قبال آنچه که گفته اند و دستور داده اند و بطور قطع در آن نیز ناکام مانده اند، بپذیرند.

حزب سوسیالیست انقلابی، طبقه کارگر و پیشروان مسئول جنبش برای آزادی و برابری، و جامعه تشنه آزادی و رهایی از چنگ نکبت جمهوری اسلامی، ضمن دفاع جانانه از حق آزادی کلیه زندانیان، از جمله زندانیان سیاسی، ضمن به رسمیت شناختن حق فرار از زندان، در این شرایط معین بر دفاع گسترده مبارزه و اعتراض جامعه و جنبشمان از زندانیان، و تدارک فوری بستر اجتماعی این مبارزه در شکل محافل و شبکه های اجتماعی در محلات و محل کار، و همچنین استفاده گسترده از شبکه های اجتماعی اینترنتی برای دفاع از حق آزادی زندانیان، هم در داخل و هم خارج کشور، تاکید جدی داریم. نمیتوان و نباید فراخوان فرار از زندان را داد در حالی که در این شرایط خاص نتوانیم زندانی که از این فرار جان سالم به در میبرد سالم به آغوش جامعه و بستگانش تحویل بدهیم. در شرایطی که زندانی در بیرون زندان با یک شهر خالی از سکنه مواجه میشود، می بیند که خود را در آغوش گرم همنوعانش نمیبیند، حتی درب منازل در کوچه و پس کوچه ها و ماشینها برای پناه دادن و فراری دادن آنها چندان ممکن و هموار نیست، همچنانکه متأسفانه شاهد بوده ایم زندانیان فراری را دوباره دستگیر و چه بسا با مجازات سنگینتر و با خطرات مرگ ناشی از ویروس کرونا در زندان مواجه میشوند، نباید بدون حمایت گسترده اجتماعی و حمایت عملی جامعه فراخوان فرار را داد! برعکس باید جامعه در شرایط قرنطینه بودن بر چگونگی دفاع از زندانیان در زندانهای جمهوری اسلامی تمرکز و تعمق کند. در این شرایط دشوار نیز باید با تمام قدرت در دفاع از امنیت و آزادی زندانیان به میدان آمد و متحد شد!

باید عاملین کشتار زندانیان را افشا و شدیداً مجازات کرد!، مسئول هر نوع مخاطره و ویروس کرونا برای زندانیان تماماً برعهده مقامات جمهوری اسلامی است!، زندانیان سیاسی و همه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند!، جامعه مسئول است با تمام قدرت از آزادی و امنیت زندانیان حمایت کند!

**سوسیالیسم امروز:** اخیراً به بهانه پارگرافی در یکی از قطعهنامه های اول مه در ایران نقدی از جانب رحمان حسین زاده از رهبری جدید "حزب حکمتیست" تحت عنوان "تحریم اقتصادی را توجیه نکنید"، در نشریه رسمی شان منتشر شده بود، که به دنبال با عکس العمل و پاسخ یکی از دست اندرکاران آن بیانیه، جوانمیر مرادی، فعال اجتماعی و کارگری مقیم ایران روبرو شده است. از آنجا ظاهر موضوع حول "تحریم اقتصادی" است و شما نیز بارها در این زمینه اعلام موضع کرده اید نظرت در باره این نقد و همچنین پاسخ و عکس العمل که در فیس بوک صورت گرفت چیست؟

**سلام زیجی:** قطعهنامه مورد بحث از جانب انجمن صنفی کارگران برق و فلزکارکرماتشاه، سندیکای نفاشان البرز، کانون انجمنهای ساختمانی کردستان، و گروهی از کارگران و فعالین کارگری سقز "صادر شده بود.

تنبه من فرهنگی، زن، جوان، آزادیخواه و برابری طلب هم هست، که بی تردید چنین است!، پس چرا زندانیان و خانوادههای آنها را تنها گذاشته ایم؟ اگر آنها بخاطر نان و آزادی و امنیت و حق اولیه شهروندی تک تک ما با سر بلند مبارزه کرده اند و به زندان رفته اند، پس چرا نباید با جان و دل در سراسر کشور یکصد برای آزادی آنها متحد شد؟ اگر زندانیان از جانب یک رژیم آدمکش، حکومت مسافرین هواییما کش، حکومت کشتار هزاران نفره معترضین، حکومت ضد زن، ضد کارگر، ضد آزادیهای سیاسی و اجتماعی، و از جانب یک حکومت تروریست و فاسد، حکومتی که ثروت و امکانات کشور را ۴۱ سال است در راه سرکوب و گسترش مزخرفات اسلامی و مساجد و قمه زنی و شیعه گری و آدمکشی در ایران و چندین کشور همجوار هزینه میکنند، زندانی و شکنجه و اعدام و نابود میشوند چگونه ما باید بتوانیم با آرامش نظاره گر باشیم؟ چگونه باید توانست برای آزادیشان از جنگ این هیولای کثیف یک لحظه غفلت کرد؟ با صدای بلند اعلام میکنم که به این کم تحرکی در حمایت از زندانیان سیاسی از جمله در دفاع از زندانیان کارگری به شدت معترض و ناراحت هستیم. اعلام میکنم تا زمانی که نتوانیم از حق و حقوق و حرمت و حقانیت و آزادی زندانیان سیاسی و کارگری و فعالین اجتماعی در بند جانانه دفاع کنیم نمیتوانیم این نظام را به زانو در بیاوریم و خود نیز لایق آزاد شدن در زیر چکمه سیاه جمهوری وحشی اسلامی نیستیم. نه تنها در دوره خطیر کرونا که جمهوری اسلامی ضد انسانی تر از سابق با جان زندانیان بازی میکند که در هر شرایطی دفاع متحد و سراسری از زندانیان سیاسی و فعالین کارگری امر مبرم و اولیه جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و کلیه صف آزادیخواهان در سراسر کشور است. ما طبقه کارگر و همه آزادیخواهان را به این مبارزه مبرم دعوت میکنیم.

۳- جنبه سوم روشهای متفاوت حمایت از زندانیان و چگونگی مقابله با رژیم در این مورد است. با سنتهای شبیه چریکی و سنتهای خود زنی و یا تبلیغات تحریک کننده برای اقدامات ماجراجویانه و فردی در درون زندان به جانی توجه و تمرکز روی حمایت جامعه از آنها، همسویی و توافق ندارم. از جمله با ترغیب به "فرار" در شرایطی که هیچ امکان و پوشش حمایت توده ای در جریان نیست صد درصد مخالف هستم، و بنظرم سیاستی در جهت کمک بیشتر به تسریع مرگ زندانی است تا آزادی او. مسئله "حق" داشتن نیست، همه حق فرار، حق اعتصاب غذا، حق حتی خودکشی را هم دارند. اما الزاما همه این حقها قابل دفاع نیستند. این نوع خود زنی ها و روشها با تمام سختیها و واقعیتهای تلخ تحمیل شده در چهارچوب زندان و سلول و جمهوری اسلامی هنوز نمیتواند راه کارسازی برای تائید و یا تشویق از جانب نیروها و شهروندان در بیرون زندان باشد، علاوه بر مخاطرات واقعی برای خود فرد زندانی اساساً راه پیشبرنده و موفقی برای رسیدن به هدف آزادی زندانیان را تأمین نکرده و نخواهد کرد. ما در مقابل بر ضرورت حمایت جامعه و سازماندهی قترتمند اعتراض توده ای برای آزادی زندانیان از جمله آزادی همه فعالین کارگر و اجتماعی تاکید میکنیم. اگر خلای وجود دارد خلا کمبود و ضعف ما در این زمینه و اساساً در داخل کشور در بسیج میلیونها انسان کارگر و زحمتکش، میلیونها زن آزادیخواه، میلیونها جوان و فرهنگی و دانشجوی برابری طلب و سوسیالیست در دفاع پیگیر از زندانیان و مطالبه آزادی زندانیان سیاسی در دوره حاضر و در هر شرایطی است.

برای توضیح روشنتر روشهای نادرست "دفاع" از زندانیان به باز نشر بخشی از اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره فرار زندانیان در این دوره اکتفا میکنم، که متأسفانه ناموفقی در این فرارها، و جنایات جمهوری اسلامی در سایه "قرنطینه" بودن مردم، که به بازداشت مجدد تعدادی از فراریان منجر گردید و رویداد تحویل دادن مصطفی سلیمی از زندانیان فراری در زندان سقز از جانب نیروهای اتحادیه میهنی و اعدام فوری آن، و دیگر پیامدهای آن رویدادها حقانیت سیاست و مسئولیت پذیری ما و نامسئول بودن مدافعان صادره کنندگان اطلاعیه های پی در پی "شورش کنید" و "فرار کنید"، و "فرار کردن حق زندانی است" به وضوح نشان داد:

## گفتگو با سلام زیجی در باره ...

از آنجا که کلیت این قطعنامه مانده دیگر اطلاعیه و قطعنامه های که به مناسبت روز کارگر در ایران منتشر شده و آنها را در رسانه دیده ایم درست و اصولی ارزیابی کرده ایم نه تنها مخالفتی با آنها نداریم بلکه عموماً در جهت مواضع و سیاست اعلام شده خود دانسته ایم. آنها را در همین شماره نشریه سوسیالیسم امروز باز نشر کرده و خوانندگان میتوانند به آنها مراجعه کنند.

اما آیا هیچ ایرادی به هیچیک از آنها وجود ندارد؟ حتماً وجود دارد. حتی خود نویسندگان آنها از نو آنها را بنویسند ممکن است در این یا آن گوشه از فرمولبندیهایشان تغییراتی ایجاد نمایند. درست مانند خود ما و هر جریان بالنده ای.

موضوع اصلی اما خط و سیاست ناظر بر یک سند یا قطعنامه مطالباتی است نه دنبال بهانه گیری و فول گرفتن از فرمولبندی سطر یا موضوعی در میان یک مجموعه مطالبه و موضوعات مندرج در آن برای مقاصد دیگری. البته من جای رفقای صادر کننده آن قطعنامه میبودم با فرمول بندی بهتری مواضع درست مخالفت با تحریم اقتصادی را نیز مانند موارد دیگر تهیه و تنظیم میکردم.

با این وجود، برداشت من از آن قطعنامه این نبود و نیست که واقعا دارد "تحریم اقتصادی" را توجیه میکند. از اینرو تذکر و نقد نابجای رحمان مینی بر "تحریم اقتصادی را توجیه نکنید!" در نقد آن قطعنامه نوارد و نامربوط میدانم. بنظر من نقد رحمان بر بستر چند تناقض درونی سیاست حزب استوار است و از اینرو نقدش یک نقد صادقانه و پیشبرنده نبود. نقدش بیشتر سفسطه گرایانه است تا یک نقد روشن و مستند. رحمان این دوستان و قطعنامه بیگناهایشان را بهانه کرد تا غیر مستقیم به "جنگ" بی ضرر با کس دیگری برود، که به دلیل معضلات خطی و درونی که دارند توان مقابله مستقیم با آنها را ندارد و در عوض این فعالین را کیسه بوکس کردند. رحمان و جریان چند خطی اش به دلیل بحران و سردرگمی در تحلیلها و مواضعشان که همواره بر ارزیابی "تضعیف شدن جمهوری اسلامی" و در "سراشویی سقوط قرار گرفتن" و غیره را با استنتاج راست روانه از تحولات سیاسی ایران هم در رویداد "توافق هسته ای" و هم در قالب دیگر در دوره بعداز "خروج امریکا" به آن برخورد کرده و در این باره حتی از حککا سبقت گرفته بودند، و در تاریکی تیر رها میکردند، تصورشان این بود همین فردا و به این سادگی "پیروزی فوری جنبش سرنگونی" ممکن میشود، اما حالا که ناکام مانده اند و تحلیلهایشان از کنگره ششم آن حزب تا امروز دود شده و هوا رفته و از دست "مردم راه نشان میدهد" خسته شده اند دوباره و با تناقضات فراوان تصمیم گرفتند بهتره از نور راه کارگری و "طبقاتی" و "الترناتیو سازی سوسیالیستی" و اتحاد عمل کردن و دوختن دهنشان در قبال اختلافات سیاسی احزاب چپ به ویژه کومله و بقیه را در پیش بگیرند. با این شیفت عوض کردنها حالانیم کلاج دارند "تغییر ریل میدهند" و بناچار دچاری "چپ روی" میشوند. تناقض و سردرگمی رحمان در این نقد نیز اساساً ناشی از این تناقضات و موقعیت جدید و واقعی ایشان و جریانش است.

بدین ترتیب اصولاً و بنا به سیاستهای اعلام شده پیشین و تازه جریان "جبهه" ای و چند خطی "حزب حکمیتست" جدید، و هم بنا به نیت قلبی بخش اصلی رهبری این جریان در حقیقت هیچگاه تحریمهای اقتصادی و "فشارهای بین المللی" (بخوان فشار امریکا) را به این شکل منفی ارزیابی نکرده اند، برعکس خیلی هم به فشارهای امریکا در عمل امیدوار بوده اند. برای دیدن این حقیقت در اینجا نیازی به بازتکثیر کردن مواضع چند باره و نقد شده آنها در این چند سال نیست. اگر گذشته را هم بر فراموشی بسپاریم حداقل نمیتوان تازه ترین مواضع رسمی و دست راستی آنها در این باره را انکار کرد که آشکارا تحریم اقتصادی را در کنار دیگر

عوامل مثبت داخل کشوری و بانی تشدید بحرانهای حکومت اسلامی قرار داده اند و در جهت تأیید آن به احزاب ناسیونالیست کرد هشدار داده آن تکنید رژیم داره میره!

لذا خواننده را به این نقل قول روشن از یک اطلاعیه که امضای "حزب حکمیتست" رفیق رحمان حسین زاده نیز زیرش است ارجاع میدهم تا ببینیم آیا قطعنامه آن فعالین و نهادها "تحریم اقتصادی" را توجیه کرده اند یا جریان رحمان حسین زاده و "الترناتیو" غیر سوسیالیستی آنها و هم جنبشهای جدیدشان: "این احزاب در شرایطی به استقبال نقشه جمهوری اسلامی برای مذاکره پنهانی شتافته اند که این رژیم با یک بحران عمیق و همه جانبه روبرو است. تعمیق بحران و خطر فروپاشی اقتصادی، تنگتر شدن حلقه تحریم های اقتصادی و تشدید انزوای بین المللی و.... رژیم را در منگنه قرار داده است" (۱۸ تیر ۱۳۹۸ اطلاعیه نیروهای چپ و کمونیست در مورد مذاکرات پنهانی احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد. خط تأکید از من)

اما درباره مواضع کارگری و سوسیالیستی جریان ما در باره تحریم اقتصادی ایران چند هفته پیش به پرسشی در این زمینه پاسخ داده بودم، به باز نشر آن در اینجا اکتفا کرده، و فکر میکنم سیاست و مواضع کاملاً کارگری و سوسیالیستی نمایندگی شده است. خواهان در پیش گرفتن آن از جانب هر نیرو و فعال کارگری و حزب و تشکل مسئول و جدی کارگری و سوسیالیستی هستیم:

**"مینا تهرانی: اخیراً روحانی تحت عنوان "نامه به مردم امریکا" از لغو تحریمها سخن گفته، همزمان چند کشور دیگر از سازمان ملل خواسته اند در این شرایط تحریم های اقتصادی علیه کشورهای که تحریم شده اند بر داشته شود. نظر شما در باره رفع تحریمهای اقتصادی علیه ایران چیست؟"**

**سلام زیجی:** اینکه روحانی و یا فلان دولت دیگر چه هدفی از این اقدامات دارند برای ما ثانویه است. و ما میدانیم که روحانی چرند میگوید چرا که خود او و امام و دولتش ۴۱ سال است کارگر و زحمتکش و اکثر جامعه ایران را تحریم اقتصادی کرده اند، کسی که با زور و نیرنگ هر سال دستمزد بردگی را به ۴۰ تا ۵۰ خانوار کارگری تحمیل میکند از نفس تحریم اقتصادی دولتی علیه جامعه دیگری جانیکارانه تر است؛ البته در این شرایط مخاطره آمیز ویروس کرونا ما خواهان ارسال کمکهای انسان دوستانه و پزشکی گسترده به ایران هستیم اما آنرا نباید تحویل دولت اسلامی و نهادهای وابسته به آن داد، بلکه باید تلاش نمود که در اختیار نهادهای منتخب شهروندان و تشکلهای کارگر و مراکز پزشکی مستقل و نمایندگان منتخب در هر شهر و محله داد تا بطور واقعی برای نیازمندان صرف گردد نه برای قمه کشان بسیجی و آدمکشان سپاهی. این نظر و توصیه جدی کنونی ما در این مورد خاص است.

اما مستقل از این شرایط و یا این نوع درخواستها ما همواره تحریم یا محاصره اقتصادی هر کشوری را به منظور امتیاز گرفتن از دولت حاکمه آن کشور، یا مجازات آن دولت از جانب هر دولت و نهاد بین المللی دیگری صورت گرفته باشد محکوم کرده ایم و امروز با قدرت ده چندان دوباره آنرا محکوم میکنیم هر پدیده ای که اسمش تحریم "اقتصادی" جامعه باشد ضد انسانی است و به زیان شهروندان تمام شده و خواهد شد. تا امروز هیچ دولت مستبدی از این طریق نه تضعیف شده و نه سرنگون. جمهوری اسلامی اتفاقاً با این نوع تحریمها دستش برای سرکوب جامعه و شانه خالی کردن از زیر بار مطالبات گسترده باز تر شده است، دولت امریکا با این سیاست بزرگترین کمک به جمهوری اسلامی و بزرگترین ضربه را به روند مبارزه آزادیخواهی و زندگی کارگران و مردم تهرانی دست جامعه ایران زده است.

**بدین ترتیب بله ما خواهان فوری پایان دادن به تمام جوانب تحریم اقتصادی جامعه ایران هستیم و ادامه چنین طرح های را نه به زیان جمهوری اسلامی که به زیان مستقیم نیروی دها میلیونی میبینیم که اگر کمر راست کند و حول پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم متحد گردد به سرعت کل موجودیت جمهوری اسلامی را منهدم خواهد کرد و یک ایران آزاد و برابر و مرفه و خوشبخت برای همه بنیاد خواهد گذاشت! ..."**

## بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد، تشکل‌های مستقل معلمان، تشکل‌های مستقل کارگران و بازنشستگان بمناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر و دوازدهم اردیبهشت روز معلم

امسال در حالی که استقبال روز همبستگی جهانی کارگر و روز معلم می‌رویم که شرایط معیشتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر حقوق‌بگیران و نیروی کار نسبت به سال گذشته بسیار سخت‌تر و بحرانی‌تر شده است. پیامدهای ویرانگر و خانمان‌برانداز سیاست‌های چند دهه دولت‌ها؛ تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی، خصوصی کردن بیش‌ازپیش آموزش و بهداشت عمومی هر روز بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد. سیاست‌هایی که فراتر از دولت‌ها، سیاست کل حاکمیت است و جناح‌های سیاسی بر روی آن اتفاق نظر دارند.

در این میان سقوط بی‌پایان ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، افزایش دوپست درصدی قیمت بنزین و تورم رسمی

چهل و یک درصدی موجب کاهش شدید قدرت خرید مزدبگیران شد. در کنار این سیاست‌ها دولت در همراهی کامل با صاحبان سرمایه که اکثر آنان از رانت وفاداری به سیستم برخوردارند، با افزایش ۲۱ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۹۹، نغتنها چهره‌نمایشی سه‌جانبه‌گرایی را از قبل آشکارتر نمود؛ بلکه نشان داد که می‌خواهد وضعیت معیشت حقوق‌بگیران را از قبل سخت‌تر و سفره‌هایشان را خالی‌تر نماید.

اول ماه مه و روز معلم، یادآور این است که کارگران، معلمان و دیگر حقوق‌بگیران باید در جهان و ایران متحدتر شوند و برای سازمان‌دهی خودشان بیشتر از گذشته تلاش نمایند. چراکه سیستم میتنی بر سود و سرمایه با ثروت‌اندوزی برای یک درصدی‌ها و استثمار اکثریت کارگران و حقوق‌بگیران برای سود بیشتر، نشان داده که حتی در شرایط بحران‌های بهداشتی همچون کرونا نیز قادر به مراقبت از شهروندان نیست.

هرچند امسال شرایط تجمع و برگزاری مراسم جشن روز جهانی کارگر و معلم به علت شیوع ویروس کرونا فراهم نیست، اما فراموش نمی‌کنیم که ما در ایران هم‌ساله به خاطر برگزاری روز جهانی کارگر و روز ملی معلم، توسط عوامل امنیتی سرکوب و بازداشت می‌شویم و حتی اجازه برگزاری مراسمی مربوط به خردمان را نداریم. در سال گذشته ده‌ها تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، تعدادی از فعالان کارگری، بازنشسته، دانشجویی و صنفی فقط به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه و ده‌ها تن از معلمان عضو تشکل‌های صنفی در سراسر ایران به خاطر شرکت در مراسم روز معلم بازداشت، توبیخ و بعضاً به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شدند؛ که این محکومیت‌ها و روند سرکوب همچنان ادامه دارد.

ما، تشکل‌های صنفی، مدنی اعم از معلمی یا کارگری به‌عنوان امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌داریم که حق داشتن تشکیلات مستقل، تجمع، اعتراض و حق اعتصاب، سندیکایی و کانون‌های صنفی را برای همه کارگران، فرهنگیان و حقوق‌بگیران دیگر به رسمیت می‌شناسیم و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، روز ملی و روز جهانی معلم، روز دانشجو و روز جهانی زن را از حقوق مسلم خود میدانیم.

ما خواستار آزادی تمامی کارگران، معلمان، دانشجویان و همه فعالان مدنی و سیاسی دربند هستیم و از مقامات قضایی و امنیتی می‌خواهیم که به سرکوب‌ها پایان دهند و منع تعقیب تمامی بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر سال ۹۸ و فعالان صنفی معلمان را صادر نمایند.

ما خواستار حقوق برابر برای زنان و مردان در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستیم.

ما خواهان افزایش حداقل دستمزد، متناسب با تورم واقعی و هزینه‌های معیشتی واقعی خانوارهای کارگران و همسان‌سازی حقوق معلمان شاغل و بازنشسته با سایر حقوق‌بگیران هستیم.

ما معتقدیم، درحالی‌که خط فقر حدود هشت میلیون تومان است، تعیین حداقل دستمزد به میزان یک‌میلیون و هشتصد هزار تومان، بی‌توجهی آشکار به معیشت زندگی اکثریت زحمتکشان است.

ما خواستار فراهم کردن شرایط لازم برای دستیابی تمام کودکان به آموزش رایگان، باکیفیت و عادلانه، خدمات بهداشتی رایگان و امکانات ورزشی و تفریحی مناسب هستیم.

ما خواهان لغو سیاست‌های خصوصی‌سازی، سیاست‌های ارزان‌سازی و بی‌ثبات‌سازی نیروی کار، تعدیل اقتصادی، تعطیلی کارگاه‌ها و اخراج‌های

## بیانیه اتحادیه آزاد کارگران بمناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر

روز جهانی کارگر در حالی فرامی‌رسد که فقر و فلاکت عمومی زندگی میلیون‌ها خانواده کارگری را عملاً به ورطه نابودی کشانده است. گرانی روزافزون مایحتاج مردم، تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی را برای کارگران و مزدبگیران ناممکن ساخته است.

در این شرایط حکومتگران برای امسال رقم ۱۸۳۵۰۰۰ تومان را بعنوان حداقل دستمزد مصوب کردند در حالیکه نرخ واقعی سبد معیشت خانوار به ۹ میلیون تومان در ماه رسیده است.

همه اینها در شرایطی است که شیوع بیماری کرونا کل جامعه را وارد فاز فاجعه آمیزی کرده است که نه تنها جان و سلامت مردم در خطر جدی قرار گرفته است بلکه کار و مشاغل بسیاری از افراد یا از بین رفته یا دچار رکود و بحران گشته است و این شرایط، خود منجر به افزایش سرسام آور هزینه‌های معیشتی گشته است. با توجه به اینکه هیچ روزنه‌ی روشنی برای پایان یافتن این وضعیت فاجعه بار نیست قطعاً سال جاری سال جهش بزرگ تورمی بر مایحتاج روزانه خانواده‌ها خواهد بود. از اینرو تعیین مزد خفت بار ۱۸۳۵۰۰۰ تومان همچون تیر خلاصی به زندگی و معیشت کارگران و خانواده‌هایشان است.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

بیشتر از یک دهه است که کارگران در ایران تلاش سازمانیافته‌ای را برای افزایش دستمزدها شکل داده‌اند و این جنبش اکنون بیشتر از هر زمان دیگری در میان کارگران نهادینه شده است. نقطه عطف تلاش کارگران برای افزایش مزد، طومار ۴۰ هزار نفره کارگران در اعتراض به سطح نازل دستمزدها بود که مجموعه‌ای از کارگران شاغل در کارخانه‌های متعددی در پنج استان کشور را شامل میشد. این تلاش که از سال ۹۱ شروع شده بود در نهایت تا فراخوان تجمع کارگران در روز جهانی کارگر سال ۹۳ در محل وزارت کار ادامه پیدا کرد. اما دولت روحانی در ادامه سیاست دولتهای قبلی در تعرض به معیشت کارگران، با شدیدترین برخوردهای امنیتی اقدام به دستگیری هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی ۴۰ هزار نفره کارگران نمود و تجمع روز جهانی کارگر را نیز با برخورد شدید پلیسی روبرو کرد. تمام تلاش حکومتگران این بود که اقدام سازمانیافته‌ی جدی کارگران را از همان ابتدا سرکوب کنند تا بتوانند هر ساله بیشتر به معیشت و سفره کارگران تعرض نمایند و هر سال با تصویب دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، بردگی مزدی بیشتری را به طبقه کارگر تحمیل کنند.

اما طبقه کارگر ایران در راستای دفاع از معیشت و زندگی خویش، امسال نیز هیچ راهی به جز دست بردن به اعتراضات و اعتصابات در مقابل تعیین مصوبه خفتبار مزد ندارد. این عمل ملزم به تلاشی گسترده از سوی کارگران در کارخانجات و مراکز مختلف کارگری است. شورای عالی کار نهادی دست ساز برای تحمیل قانونی دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر است. جدا از نمایندگان کارفرما، نمایندگان دولت نیز در راستای تأمین منافع دولت بعنوان بزرگترین کارفرمای کشور سعی در فریز مزد کارگران دارند. دیگر اعضای شورای عالی کار نیز که بعنوان نماینده کارگری حضور دارند، عملاً نمایندگان دست ساز دولتیان هستند که از فیلتر آنها انتخاب شده‌اند و حضورشان تنها و تنها برای به بازی گرفتن کارگران جهت تحمیل بیش‌مانه‌ی حداقل مزد مصوبشان است.

از اینرو ما کارگران بایست خواهان آن شویم که خود میزان حداقل دستمزد را تعیین نماییم که امسال با توجه به نرخ واقعی تأمین هزینه‌ها و سبد معیشت خانوار خواهان تعیین حداقل دستمزد به بالای ۹ میلیون تومان در ماه شدیم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران تمامی کارگران و تشکلهای کارگری در سراسر کشور را فرامیخواند تا در ادامه تلاشهای قبلی کارگران برای افزایش دستمزدها، روز جهانی کارگر امسال را بعنوان اوجگیری اقدامی متحدانه در راستای اعتراض گسترده به سطح نازل دستمزد کارگران در نظر بگیرند و با نظرداشت شرایط بحرانی بیماری کرونا، با انسجام و اتحاد طبقاتی از هر طریق ممکن، چه با صدور بیانیه و چه از طریق اعتراض و اعتصاب در محیطهای کار در صورت امکان، در جهت لغو مصوبه دستمزد کارگران برای سال ۹۹ و افزایش دستمزد به میزانی که کفاف تأمین سبد معیشت خانوار باشد تلاش نمایند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- سوم اردیبهشت ۹۹



بیرویه، توقف خرید خدمات آموزشی و برخورداری از امنیت شغلی معلمان خرید خدمت و نیروی کارآموزی در بخش خصوصی هستیم. ما خواستار توقف فوری کار کودکان و بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به چرخه مدرسه هستیم.

ما خواهان اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به صورت کامل، به خصوص برای بازنشستگان فرهنگی و تأمین بیمه پایه فراگیر، کارآمد و رایگان برای تمام بازنشستگان هستیم. ما ضمن قردادانی از خدمات کادر درمانی در شرایط دشوار کنونی، خواهان پرداخت همه مطالبات پرستاران و کارکنان کادر درمانی فداکار، افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار آنان و همچنین در اختیار گذاشتن تمامی امکانات ایمنی و بهداشتی برای مقابله با ویروس کرونا هستیم.

ما خواستار برخورداری همه کارگران، معلمان و به ویژه معلمان بازنشسته و دیگر حقوق‌بگیران از تأمین اجتماعی کارا و مؤثر، از جمله بیمه بیکاری کافی هستیم.

ما تمام کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و حقوق‌بگیران را به همبستگی بیشتر فرامی‌خوانیم و تنها راه احقاق حقوق پایمال شده آنان را، گسترش و تقویت تشکل‌های مدنی مستقل و اتحاد عمل بین تشکل‌ها بر سر مطالبات اساسی و مشترک می‌دانیم.

بی‌شک مطالبات فوق در گرو برخورداری از آزادی بیان و آزادی حق تشکل‌یابی است. ما با هر نوع سرکوب آزادی به شکل آشکار و پنهان مخالف هستیم.

به امید تحقق جامعه‌ای آزاد و برابر به همراه صلح و شادی و رفاه

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

اسامی تشکل‌ها صنفی فرهنگیان و تشکل‌های کارگری امضاء کننده  
بیانیه :

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کانون صنفی معلمان اسلامشهر

کانون معلمان همدان

کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر

انجمن صنفی معلمان کردستان\_ مریوان

انجمن صنفی معلمان کردستان\_سقز و زیویه

انجمن صنفی بازنشستگان کشوری

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری

## سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و اتحاد سراسری بازنشستگان ایران به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، قطعنامه و بیانیه های مستقلی را منتشر کردند

در زیر متن کامل این بیانیه ها را مشاهده میکنید:  
قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران بمناسبت روز جهانی کارگر سال ۹۹

روز جهانی کارگر در حالی فرا میرسد که اکثریت کارگران و مزدبگیران در جهان به این امر واقف شده اند که سیستم سرمایه داری و دولتهایش نه تنها نقشی در راستای بهبود زندگی و حفظ جان و سلامت میلیونها و میلیاردها نفر از ساکنین این کره خاکی ندارد، بلکه خود سیستم حاکم تنها عامل فقر و فلاکت و بیماری و خانه خرابی مردم است.

از چند ماه گذشته که شیوع بیماری کرونا منجر به مرگ صدها هزار نفر از انسانها شده است و هر روز به تعداد مبتلایان به این بیماری افزوده میشود، دولتهایی که ده ها سال ثروتهای جوامع مختلف را در اختیار خود داشته اند و با تصاحب منابع طبیعی کشورها و انباشت کلان سرمایه به نفع خود و سرمایه داران مفتخور اقدام کرده اند، عملاً هیچ حرکت جدی برای حفظ جان افراد جامعه انجام نداده اند. همین حکومتها که از مالیاتهای اجباری که از کارگران و مزدبگیران و کل شهروندان جوامع مختلف به سود طبقه ی انگل صفت سرمایه داران ارتزاق میکردند حاضر نشدند تا همان ثروتها را در راستای گذار از بحران بیماری کرونا هزینه کنند و تنها با اقداماتی سخیف و صرف هزینه هایی ناچیز دست به نمایشهایی تهوع آور زدند تا به دروغ نشان دهند که میخواهند مظهر خیر عمومی باشند.

در تمامی کشورها مردم را به حال خود رها کرده و تنها به در خانه ماندن توصیه میکردند و هیچ تلاشی برای تأمین نیازهای شهروندان انجام ندادند و بعد از مدت زمان کوتاهی نیز با رفع قرنطینه و محدودیتها، مردم را در معرض خطر مرگ قرار دادند تا دچار بحرانهای بزرگ اقتصادی نشوند. اما با این وصف هم، طبق گزارش رئیس برنامه جهانی غذا به شورای امنیت سازمان ملل، ۸۲۰ میلیون نفر در دنیا گرسنه میشوند و ۱۳۰ میلیون نفر هم در معرض گرسنگی قرار دارند و بحران کرونا ۱۳۰ میلیون نفر دیگر در جهان را به مرز فحطی رسانده است. این یعنی اینکه نزدیک به ۱۵ درصد مردم دنیا گرسنه هستند و جهان گیری بیماری کرونا به "جهان گیری گرسنگی" منجر شده است. این میزان از گسترش گرسنگی در دنیا نه به دلیل کمبود غذا، بلکه بدلیل نبود پول تهیه غذا از سوی این تعداد از ساکنین دنیاست.

در ایران بیش از چهار دهه است که دوره نوینی از مناسبات سرمایه داری حاکم شده است که روز به روز بر تعرض اقتصادی و اجتماعی به جامعه افزوده است. حمله به معیشت مردم از طریق روند فاجعه بار کاهش دستمزد کارگران و مزدبگیران در راستای تشدید انباشت سرمایه، چپاول و غارت سرمایه های اجتماعی و منابع طبیعی کشور به نفع اقلیتی نزد و غارتگر که یک شبکه گسترده مافیای رانتی را شکل داده اند، حمله به آزادی های فردی و اجتماعی آحاد جامعه و سرکوب گسترده ی فعالین صنفی و سیاسی در جهت شدت بخشیدن به استبداد و اختناق و ده ها مورد دیگر تعرض اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به جامعه از سوی حاکمیت اتفاق افتاده است تا اینکه جامعه ایران را به این موقعیت فاجعه آمیز و فلاکت‌آلود کشانده است.

این همه تعرض، کشور ثروتمندی مانند ایران را به جامعه ای تبدیل کرده است که سیمای واقعی آن با فقر و فلاکت و بیکاری تنیده شده است و شاخصهای اجتماعی آن را گسترش پدیده زجرآور کودکان کار و خیابانی، اعتیاد گسترده زنان و مردان و کودکان، فحشا و تن فروشی،

برای کوتاه کردن دست خونین و سرکوبگر جمهوری اسلامی و یورش هر روزه سیاسی و اقتصادی به طبقه کارگر توسط این نظام ضد کارگری و ضد انسانی هیچ راهی بجز تأمین و تضمین شکل دادن فوری به یک مبارزه متحد و مستقل طبقاتی در سراسر کشور با پرچم آزادی و برابری و آرمان سوسیالیستی و به هدف پایان دادن به حاکمیت فاشیستی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران پیش روی خود نداریم. بدون چنین آمادگی و هدفی نه تنها جنبش کارگری که کل جامعه نیز در بند و بردگی باقی خواهد ماند.



۱- افزایش فوری حداقل دستمزد به ۹ میلیون تومان در ماه و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران بیکار و جوانان آماده کار به میزان حداقل مزد. دستمزد کارگران باید توسط خود کارگران تعیین گردد و نهاد دولتی-کارفرمایی "شورای عالی کار" باید منحل اعلام گردد.

۲- آمار واقعی ابتلا و تلفات بیماری کرونا باید به جامعه اعلام گردد و مراکز درمانی و بیمارستانها در تمامی شهرها در راستای درمان مبتلایان کاملاً تجهیز گردند و امکانات پیشگیری از ابتلای به بیماری و آموزشهای صحیح پزشکی باید به فوریت و رایگان در اختیار کل جامعه قرار گیرد.

۳- پرستاران و پزشکان و کل کادر درمان و خدمت در مراکز درمانی سنگر واقعی حفاظت از زندگی و سلامت مردم در بحران کرونا بوده و هستند. حفظ سلامت آنان و تهیه لوازم و تجهیزات پیشگیری از بیماری برای کادر درمان باید در اولویت قرار گیرد.

۴- با توجه به اینکه خطر ابتلا به بیماری کرونا هنوز بسیار بالاست مراکز کاری از جمله کارخانه ها و کارگاه ها، ادارات و سایر محیط های کاری تا پایان دوران بحران تعطیل شوند و دولت موظف به پرداخت حقوق و بیمه بیکاری به تمام کارگران و کارمندان است.

۵- زندانها از جمله خطرناکترین اماکن در شرایط بحران کروناست. تمامی زندانیان بایست تا پایان دوران بحران یا آزاد گردند و یا به مرخصی فرستاده شوند. بدیهی است که زندانیان سیاسی و فعالین صنفی که در زندان به سر میبرند باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند. فعالیتهای صنفی و عقاید سیاسی نباید جرم تلقی گردد.

۶- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند.

۷- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات.

۸- پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی همراه با خسارت دیر کرد و تصویب قانونی برای جرم دانستن عدم پرداخت حقوق و مزایا.

۹- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازیها، برچیده شدن قراردادهای موقت، امحا شرکتهای تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل در کارگاههای کوچک، مناطق آزاد و ویژه تحت پوشش کامل قانون کار و عدم افزایش مبلغ بیمه کارگران ساختمانی.

۱۰- قطع دست دولت از صندوقهای بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوقهای بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوقهای بازنشستگی و جبران خسارتهای وارده به اعضا. فروش سهام شرکتهای تابعه تامین اجتماعی (شستا) باید لغو گردد.

۱۱- ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی، تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته امروزی.

۱۲- برقراری بالاترین استانداردهای ایمنی کار در تمامی محیطهای کارگری.

۱۳- برچیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان، برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

۱۴- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هر گونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان.

۱۵- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- دهم اردیبهشت نو و نه

گورخوابی و کارتن خوابی و اخبار هر روزه خودکشی شکل می دهد. حکومتگران که کسی جز غارتگران دسترنج ما کارگران و مزدبگیران نیستند به این همه اکتفا نکرده و درصدد هرچه بیشتر کردن این تعرضات و به یغما بردن جان و مال آحاد جامعه اند. در حالیکه در اواخر سال گذشته نرخ واقعی سبب معیشت خانوار نزدیک به ۹ میلیون تومان برآورد میشد، نهاد ضدکارگری و ضدانسانی شورای عالی کار در راستای تأمین منافع کارفرمایان و حاکمان سرمایه دار اقدام به تصویب مزد خفتبار ۱۸۳۵۰۰۰ تومان بعنوان حداقل مزد کارگران نمود. این درحالیست که نزدیک به ۷۰ درصد از کارگران کشور و بازنشستگان تأمین اجتماعی را حداقل بگیران تشکیل میدهند و این بخش بزرگ جامعه را به زندگی پنج برابر زیر خط فقر محکوم نموده اند. اینکه آمار میزان بیکاران جامعه که هیچگونه درآمدی ندارند نیز به شدت روند صعودی داشته است هم در راستای سیاستهای غارتگرانه حاکم بوده و هست. از سوی دیگر حاکمیت در برابر هر نوع صدای مطالبه گرانه و فعالیتهای صنفی، کوچکترین تاب آوری نداشته است و با برخورد شدید پلیسی و امنیتی به هر نوع مطالبه گری و حق خواهی یورش برده و کارگران و فعالین صنفی تمامی عرصه ها را دستگیر و سرکوب و زندانی نموده است.

در چنین شرایطی است که کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر مزدبگیران در مقابل طمع سیری ناپذیر سرمایه داران حاکم سکوت نکرده و در دفاع از زیست و معیشت و کرامت خود هر روزه و هرباره و از هر طریق ممکن دست به اعتراض زده و خواهان تحقق بخشیدن به مطالبات معیشتی و اجتماعی خویش شده اند.

جنبش عظیم مطالباتی مردم ایران روز به روز قدرتمندتر و تعرضی تر به جلو آمده و مبارزات کارگران به نقطه ثقل تحولات در جامعه بدل گشته است. جنبش بزرگ علیه فقر و فلاکت و معیشت طلب در چند سال گذشته چندین بار نمود توده ای و سراسری و گسترده ای را در سطح خیابانها بروز داده است که نمونه های دیمه ۹۶ و ۹۸ نشان دهنده ی همین واقعیت بود که جامعه هیچ روزنه ای در راستای بهبود شرایط موجود در مقابل خود نمی بیند و تنها و تنها راه موجود را در اقدام برای وقوع تغییرات بنیادین در کشور می داند.

در سالهای اخیر اعتصابات قدرتمند کارگران در مراکزی از جمله هیکو، فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه به تسخیر خیابانها انجامید و تمامی جامعه را معطوف به خود کرد. تحصن های گسترده معلمان و رانندگان و تجمع های بازنشستگان برای دستیابی به مطالباتشان نشان داد که میلیونها کارگر و مزدبگیر به میدان آمده اند تا معادلات را تغییر داده و خواسته هایشان را محقق کنند.

پس از شیوع بیماری کرونا چه در ایران و چه در کل دنیا بیشتر از پیش روشن شد که مناسبات اقتصادی، اجتماعی سرمایه دارانه حاکم در هر رنگ و لعابی، چه دولتی و چه غیر آن نه تنها در خدمت آحاد جامعه نیست بلکه در مقابل جامعه و به نفع اقلیتی مفتخور و غارتگر عمل میکند و این مناسبات ضدانسانی تا جایی پیش رفت که عملاً زندگی و سلامت میلیونها انسان را در معرض خطر مرگ بر اثر ابتلا به بیماری کرونا قرار داد و بر این اساس طبقه کارگر چه در ایران و چه در دنیا عبور از کل این مناسبات را در افق خود خواهد گذاشت.

از اینرو کارگران ایران در مقابل تعرضات سیستماتیک حاکمیت سرمایه داری چه در سطح تغییرات جزئی اجتماعی و چه در روند تغییرات بنیادین اجتماعی، مطالبات زیر را بعنوان حداقلی ترین خواستههای خود قرار خواهد داد:



## بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه



تاریخ طبقه کارگر جهانی با آتش و خون نوشته شده است  
گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

تاریخ مبارزه طبقاتی نشان می دهد که مبارزه طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار آشتی ناپذیر است

سال ۱۸۸۶ اول ماه مه در آمریکا، چرخ های تولید متوقف شد، از دودکش کارخانه ها دودی بیرون نیامد و هزاران اعتصاب با حضور صد ها هزار کارگر شروع شده بود. در اول ماه مه ۱۸۸۶ پلیس شیکاگو به سوی کارگران تظاهر کننده شلیک کردند که در جریان این تیر اندازی تعدادی از کارگران زخمی، کشته، بازداشت و اعدام شدند.

طبقه سرمایه دار با در دست داشتن قدرت های مالی، نیروهای نظامی و سرکوبگر، روزنامه، رادیو و تلویزیون، نهاد های فرهنگی، دروغ پراکنی، خرافه پرستی و تسلیم پرستی و... و ده ها و صد ها نهاد و سازمان دیگر در تلاشی شبانه روزانه بوده و هستند تا مبارزه طبقاتی کارگران را سرکوب و یا به انحراف بکشانند و لبه تیز و ضد استثمارگرانه مبارزه کارگران را گند کرده و با استفاده از شخصیت های کاذب و دروغین و بظاهر کاری و وعده های پوچ و وجود تشکل های به ظاهر کاری به نیات شوم خود برسند.

اول ماه مه یکی از فرصت های تاریخی برای طبقه کارگر جهانی است که با درس گرفتن از نقاط مثبت و انگشت گذاشتن بر ضعف ها، به ارزیابی از مبارزه خود بر علیه کلیت نظام سرمایه داری بپردازد. روز جهانی کارگر روزی است که کارگران در اکثر کشور های (غیر از ایران) این امکان را دارند که با حضور در خیابان ها زمین زیر پای سرمایه داری را به لرزه در آورند.

متأسفانه امسال به دلیل وجود ویروس کرونا مارش طبقاتی برگزار نخواهد شد، اما باید تمام کارگاه ها و کارخانه ها و مراکز کار و تولید را تعطیل کرد و کارگران و خانواده های کاری در محافل خانواده گی و یا از طریق فضای مجازی به برگزاری و گرامی داشت این روز بپردازند.

ما در شرایطی اول ماه ۱۳۹۹ را گرامی می داریم که میلیون ها انسان کارگر و زحمتکش (کارگران شاغل و بیکار) بیشتر از گذشته دچار فقر، تنگدستی و نداری شده اند. اکثریت جمعیت ایران یعنی کارگران و مزد بگیران توان یک زندگی بخور و نمیر را از دست داده اند.

بیکاری و اخراج سازی های روزانه، عدم پرداخت مطالبات و دستمزد ها، عدم امنیت شغلی و وجود قرار داد های سفید امضاء، وجود شرکت های پیمانکاری، لشکر عظیم بیکاران، اخراج و زندانی کردن فعالین و نماینده گان کارگران، سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگران، صدور احکام بغایت وحشیانه زندان و شلاق، وجود کودکان کار، کولبری، اعتیاد، فساد و صدها مصیبت دیگر، تنها گوشه هایی از توحش افسار گسیخته و مناسبات استثمارگران صاحبان زر و زور در ایران است.

امسال هم به مانند سال های گذشته سرمایه داران و مدافعان سر سخت آنها برای میلیون های انسان کارگر و زحمتکش تصمیم گیری کرده و مزد سال ۱۳۹۹ را تعیین کردند؛ مبلغ بسیار ناچیز که چندین مرتبه پایین تر از خط فقر قرار دارد. تعیین این مبلغ در حالی است که کارگران و تشکل های مستقل کاری مبلغ ۹ میلیون تومان را اعلام کرده اند.

کارگران سود پرستان در نبود اتحاد و همبستگی ما کارگران اینگونه یکه تاز میدان شده اند. طبقه کارگر در ایران می تواند با استفاده از ظرفیت های مبارزاتی، بدون توهم به جناح بندی های موجود و بدون توهم به کسانی که به دروغ خود را نماینده کارگران معرفی می کنند (شورا های اسلامی کار، خانه کاری ها و...) که بیش از ۴۰ سال است با تعیین دستمزد های بغایت برده وار حامی و شریک سرمایه داران در تحمیل فقر، فلاکت و سرکوب کارگران بوده اند، متحدانه دست به مبارزه بزنند.

در اول ماه مه امسال باید مروری داشته باشیم بر اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال گذشته با این هدف که بتوانیم نقاط ضعف خود در امر مبارزه را پیدا کرده و در صورت امکان آنرا به حداقل ممکن برسانیم.

در اول ماه مه امسال باید یاد کنیم از شورش گرسنگان (در دی ماه و ایان ماه) در ایران که برای برخورداری از یک زندگی شایسته، برای داشتن رفاه و آسایش، برای داشتن خدمات تامین اجتماعی، خدمات پزشکی رایگان، برای برخورداری شدن از تحصیل رایگان، برای داشتن پوشش اختیاری، برای داشتن امنیت شغلی، برای داشتن تشکل، برخورداری بودن از آزادی بیان و در یک کلام برای نان، کار و آزادی به خیابان ها آمدند و بسیاری از این عزیزان در جریان تظاهرات جان باختند، را گرامی بداریم و لازم است خواستار آزادی کارگران و دیگر زندانیان سیاسی در بند باشیم.

امسال باید بیشتر از گذشته به نیروی طبقاتی خود باور داشت باشیم و بیشتر از گذشته بر علیه مناسبات تبعیض آمیز، سود پرست و استثمارگرانه نظام سرمایه داری متحدانه دست به مبارزه بزنیم.

ما باید با درس گرفتن از تجارب تاکتونی و با اتکاء به دانش، عقلانیت و خرد جمعی، راه مبارزه برای رسیدن به خواست هایمان را مشخص کنیم.

داشتن زندگی شایسته و انسانی، داشتن رفاه، آسایش و امنیت، داشتن جامعه ای آزاد و برابر بدور از هر گونه ستم و تبعیضی امکان پذیر است.

ناتوانی مناسبات سرمایه داری در ارائه خدمات و تامین زندگی شایسته و برابر برای تمامی شهروندان، نشان از کهنه بودن آن دارد. نظامی که در آن حتی برای برخورداری شدن از خدمات درمانی، بهداشتی و تحصیلی مورد نیاز، مستلزم به داشتن امکانات مالی می باشد. این یعنی گنبدگی و کثافت نظام سرمایه داری، نظامی پر از نابرابری های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

کارگران و زحمتکشان؛ برای برخورداری شدن از نعمات مادی که ما خود تولید کننده آن هستیم، و برای داشتن زندگی شایسته بدور از فقر و فلاکت، بدور از تبعیض و نابرابری ها، باید متشکل شویم و در کنار هم برای داشتن یک زندگی انسانی تلاش کنیم.

کارگران، هم زنجیران؛

با اتحاد، همبستگی و متشکل شدن به استثمار انسان از انسان پایان دهیم.

اول ماه مه روز جهانی کارگر بر شما مبارک باد!

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه  
اردیبهشت ۱۳۹۹



## بیانیه اتحاد سراسری بازنشستگان ایران



روز کارگر را باید به روز خروش علیه زیست ناامن و طرح مطالبات علیه، فقر، تبعیض، نقض حقوق کارگران و تهیدستان، فروپاشی عدالت اجتماعی، تراج افسارگسیخته حقوق بنیادین طبقه کارگر در حاکمیت سرمایه‌داری نئولیبرالیستی و دولت حامی آن در کشور تبدیل کرد.

مقابله خشونت‌آمیز حکومت با مطالبات به حق زحمت‌کشان، برای کارگر تهی‌دست ایرانی وضعیت را بدتر و فاجعه‌آمیزتر کرده است. طبقه کارگر ایران چهار دهه است که برای دریافت بدیهی‌ترین حقوق خود و از جمله برگزاری روز کارگر با سرکوب از طرف حاکمیت مواجه بوده و همواره از داشتن هرگونه حق ایجاد تشکل مستقل خود محروم شده است. این درحالی است که نمایندگان سرمایه‌داری در پارلمان بخش خصوصی، (اتاق بازرگانی) در کنار دولت کارفرمایان، هر نوع استثمار و تهاجم به حقوق کارگران را قانونی کرده و با برخورداری از مصونیت آهنین از منافع طبقاتی خود حمایت می‌کنند.

کارگران به تجربه دریافته‌اند که برای برون‌رفت از این زندگی فلاکت‌بار و جهنمی در سایه نظام سرمایه‌داری و استثمار ناشی از آن برای داشتن حقوق و دستمزدی عادلانه، بیمه درمانی مناسب و کار آمد، جلوگیری از غارت منابع و اموال صندوق‌شان، کنترل اموال و دارایی‌های خود، داشتن تشکل مستقل و وادار نمودن حکومت در به رسمیت شناختن سندیکاهای کارگری و اعمال قدرت خود و حق اعتصاب و در یک کلام برای دستیابی به زیستی مناسب و انسانی و گرفتار نشدن به سرنوشت بازنشستگان امروز، راهی جز همبستگی، اتحاد و ایجاد صفتی متحد و یکپارچه ندارند. این پیام کارگران شیکاگو در اول ماه می ۱۸۸۶ است که: «در مقابل صفوف متحد کارگران، عمر سرمایه‌داری ابدی نیست.» اتحاد سراسری بازنشستگان ایران ضمن حمایت از مبارزات کارگران برای دستیابی به اهداف برابری طلبانه و آزادی‌خواهانه‌ی کارگران، دست اتحاد خود را به طرف همه نیروهای مترقی دراز می‌کند تا مردم آسیب دیده از حاکمیت سرمایه، راهی فراروی خود بیابند.

**کارگر متحد، همه چیز کارگر متفرق هیچ چیز**

**برقرار باد وحدت جهانی طبقه کارگر**

**برقرار باد اتحاد و همبستگی زحمت‌کشان ایران علیه بیداد**

**اتحاد سراسری بازنشستگان ایران**

۹ اردیبهشت ۹۹

اول ماه مه روز رزم جهانی طبقه کارگر گرامی باد طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران به‌رغم تاریخ پر فراز و نشیب مبارزه خود، این روزها اما یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخی خود را تجربه می‌کند.

رقم بی‌شماره‌ی حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار بدون امضای نماینده‌های باصلاح کارگری دستچین شده حکومت، تنها یکی از جلوه‌های این تجربه مصیبت‌بار است. این در حالی است که از طرف نهادهای حکومتی، تورم، بیش از ۴۱ درصد و هزینه معاش خانواده، حدود پنج میلیون تومان اعلام شده است.

واگذاری اموال و اندوخته بین‌النسلی کارگران و بازنشستگان (شستا) به بخش خصوصی و عرضه‌ی سهام آن در قمارخانه بورس، بیکارسازی گسترده زیر سایه بحران کرونا، اصرار جنون‌آمیز بر خصوصی‌سازی‌ها، نقض آشکار ماده ۴۱ قانون کار، استمرار و رسمیت بخشیدن به قراردادهای سفید امضا، تحمیل فقر و گرانی‌های مهلک و روزافزون که تحریم‌های ضدانسانی امپریالیستی آن را ویران‌گرتر نموده است، سرکوب وحشیانه اعتراضات کارگری، پرونده‌سازی‌های گسترده علیه فعالین کارگری و بازداشت و محبوس کردن آن‌ها، همه و همه زندگی و مبارزات کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم را سخت‌تر می‌کند.

حاکمیت، با عمل به توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سرمایه‌داری نئولیبرالی را بر ضد مردم زحمتکش نهادینه کرده که فساد سیستماتیک سرشت و درون‌مایه آن است. امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که سفره کارگران و بازنشستگان کشور متأثر از بحران‌های چندگانه دولت‌ساخته و فساد نهادینه شده و ساختاری و کسری بودجه ناشی از مدیریت ناکارآمد و تحریم‌های ویران‌گر و ضدانسانی امپریالیسم، تهی‌تر از قبل شده‌است. فعالین کارگری در بندند. پرونده حامیان کارگران که در یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر در تجمع روز کارگر سال ۹۸ بازداشت شدند همچنان مفتوح و برای عده‌ای از آن‌ها احکام حبس از چند ماه تا بیش از هفت سال صادر شده است. زندگی کارگران و زحمتکشان بیش از پیش در اثر سیاست‌های خشن و تعرضات افسارگسیخته به مزد و معیشت، به مخاطره افتاده است. در شرایط بحرانی موجود و زیر سایه کرونا، کارگران، بر سر دوراهی ناگزیر، انتخاب مرگ ناشی از ابتلا به کرونا، یا مرگ از گرسنگی هستند. در چنین شرایط دوزخی، تأمین حداقل‌های زندگی، ناممکن شده است.

کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب‌گر شوینیستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پابی فشاری بر صفت مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودن‌های فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده‌ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود

Iransocialist2017@gmail.com

## قطعه‌نامه تشکله‌ها و گروه‌های کارگری و فعالین کارگری به مناسبت اول ماه مه 2020 روز جهانی کارگر.

روز جهانی کارگر امسال با شرایطی همراه است که ویروس کرونا جوامع بشری در سراسر دنیا را مورد هجوم و تهدید جدی قرار داده است. تاکنون این بلای قابل پیشگیری و قابل مهار، جان بیش از 100 هزار نفر در دنیا را گرفته و بیش از دو میلیون نفر هم مبتلا کرده است. این همان دنیایی است که نظام سرمایه داری از اواخر قرن بیستم اعلام ابدی بودنش را جار زد و گفت این پایان تاریخ تکامل اجتماعی بشر است و گفتند همین است که هست و مصلحت بشر در این است که این سیستم را بپذیرد! اما گندیدگی آن خیلی سریع فضا را متعفن و مسموم کرد. کار به جایی کشید که بعضی از سران و رهبران نظام حاکم در برخی کشورها درماندگی و ناتوانی خود و سیستمشان در برابر مهار کرونا و بن بست‌ها و بحران‌های بعد از آن را اعلام کردند و از سمت خود کنار کشیدند.

نظامی که قرن‌ها سرمایه‌های هنگفت اجتماعی را صرف تولید جنگ افزارهای ویرانگر کرده است، نظامی که به خاطر سود پرستی محیط زیست را نابود کرده است، اما کمترین اقداماتی برای رفاه و سلامت اجتماعی را انجام داده است. به همین خاطر امروز شرمسار و ناتوان در برابر یک ویروس به زانو در آمده و به عجز و لایه افتاده است.

اما در ایران شرایط زندگی برای مردم محروم و کارگران به عنوان اکثریت آن، طی چهل و یک سال گذشته به طور وحشتناکی بدتر بوده است. کرونا آخرین بلایی است که تا به امروز توسط سیستم حاکم بر سر مردم آوار شده است. در مدت چهل و یک سال گذشته مردم ایران به خاطر وجود باندهای مافیایی، رانت خواری و دزدیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است. پولهای سرسام آوری هزینه بنیادها و مؤسسات زائد، هزینه آخوند پروری هم برای داخل و هم برای کشورهای منطقه و آسیای شرقی و آفریقا شده است. منابع مالی عظیمی مدام صرف نیروهای نیابتی و هم پیمانان حکومت در سوریه، عراق، لبنان و یمن و غیره گردیده است. به خاطر ماجراجویی‌های سران، تحریم اقتصادی بر کشور تحمیل گردیده و به همین خاطر برای مردم جامعه امکان برخورداری از یک زندگی حداقلی و حتی بخور و نمیر باقی نمانده است.

هدایت و گسترش عامدانه ویروس کرونا در جامعه، مردم را با خطر مرگ مواجه کرده است. این بلای کشنده، طبق اظهارات سران دولت و حکومت قرار است به فرصتی برای وادار نمودن دولت آمریکا به لغو تحریم‌ها، نه برای هزینه معیشت مردن، بلکه برای مقاصد خود تبدیل کنند.

از طرفی پزشکان بدون مرز و بیمارستان و امکانات درمانی آنها را بیرون می‌کنند و ادعا می‌کنند که وضعیت دکنتر و دارو و درمان خوب است. مشکل تأمین مایحتاج مردم ندارند و وضع ایران از کشورهای غربی بهتر است. از طرفی دیگر می‌گویند تحریم هستند و نمی‌توانند کار را تعطیل کنند. می‌گویند حاضر هستند دو میلیون نفر را قربانی کنند تا مبادا گرسنگان به خیابان بریزند و برای دولت و حکومت بحران ایجاد کنند.

دولت و حکومت هیچ مسؤلیتی در قبال حفاظت از مردم در برابر کرونا را بر عهده نگرفته و مردم عملاً به دست کرونا سپرده شده است. از اینرو ما تشکلهای امضاء کننده قطعه‌نامه خواست‌ها و مطالبات کارگران و همه مردم جامعه را به شرح زیر بر می‌شماریم و خواهان تحقق فوری آنها هستیم.

1- قبل از هر چیز به مناسبت اول ماه مه قدرانی خود را از پرستاران و کارگران بیمارستانها بعنوان خط مقدم جنگ با هیولای کرونا که به خاطر عدم تأمین ملزومات پیشگیرانه توسط دولت در معرض خطر هستند، اعلام میکنیم. ما خواستار تجهیز تمامی بیمارستانها و مراکز درمانی به استانداردهای لازم و قابل قبول برای پیشگیری از بیماری کرونا هستیم.

2- ویروس کرونا از کنترل خارج شده و با سرعت در حال گسترش است. این وضعیت در مکانهای تجمع اجتماعی بسیار خطرناکتر است. تمامی مراکز تجمع از جمله مراکز کاری و ادارات، زندانها، پادگانها و... باید تعطیل شوند. در این شرایط تنها مراکزی میتوانند دایر باشند که تأمین کننده نیازهای ضروری جامعه هستند. در این مراکز نیز باید بالاترین استانداردهای بهداشتی و جلوگیری از شیوع کرونا برقرار باشد.

3- در خانه ماندن آحاد مردم به خاطر جلوگیری از سرایت بیشتر ویروس در میان مردم بدون تأمین معیشت میسر نیست. دولت باید با پرداخت حقوق کافی به همه مردم محروم و تأمین مایحتاج روزمره فوراً اقدام کند. هیچ بهانه‌ای از جانب دولت مبنی بر وجود تحریم و نبود پول و بودجه برای طفره رفتن از انجام وظایف فوریت در شرایط بحرانی موجود، برای مردم قابل قبول نیست.

4- طرح دادن " بیمه بیکاری" به کارگرانی که به خاطر کرونا بیکار شده‌اند، در راستای سیاستهای فریبکارانه ارزان تمام کردن بیکارسازی‌ها و خریدن وقت برای سیستم حاکم است. از نظر ماه معیشت تمامی کارگران بیکار، تمامی کارگران مشمول تأمین اجتماعی و غیر مشمول قانون تأمین اجتماعی که بیکار شده‌اند و همه مردم محروم و نیازمند جامعه باید تأمین شود و دولت در قبال آنها مسئول است. تأمین معیشت یعنی تأمین پرداخت مقرری‌ای که اقلام اساسی زندگی بخش‌های محروم جامعه را جویاگو باشد. در این دوره بحران کرونا آب، برق و گاز باید رایگان باشد.

5- زندان‌ها یکی دیگر از مکانهای پر خطر برای گسترش ویروس کرونا است و جان صدها هزار زندانی در خطر جدی است. تاکنون ده‌ها زندانی در اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست داده‌اند. زندانیان سیاسی باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند و زندانیان عادی، فارق از نوع اتهام و جرمانه باید تا پایان بحران کرونا به مرخصی فرستاده شوند.

6- اخراج پزشکان بدون مرز که برای کمک به بیماران کرونایی به ایران آمده بودند به عنوان یک اقدام ضد انسانی از جانب دستگاههای دولتی و حکومتی را محکوم می‌کنیم. پزشکان بدون مرز باید بتوانند بدون هیچ قید و شرطی وارد شوند و کمک‌های دارویی و پزشکی توسط هر دولت خارجی و نهادهای بین‌المللی به مردم ایران باید پذیرفته گردند.

7- حداقل دستمزد 1835000 تومانی تعیین شده برای کارگران در سال 1399 توسط شورای عالی کار که بیش از 4 برابر زیر خط فقر است، مورد اعتراض شدید کارگران است. خواست حداقل حقوق 9 میلیون تومانی اعلام شده توسط تشکلهای، جمعها و محافل کارگری که مورد تأیید همه کارگران است باید فوراً توسط دولت پذیرفته شود.

8- دستگاههای سرکوبگر قضایی و امنیتی در شرایط خطرناک کنونی اقدام به احضار و بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی نموده‌اند. باید به این تهدیدات و سرکوبگریها و بازداشتها فوراً خاتمه داده شود. همه بازداشت‌شدگان باید فوری آزاد گردند. هیچ فعال کارگری و اجتماعی نباید به زندان بروند. دستگاه قضائی حق احضار فعالین دارای پرونده قضائی برای اجرای حکم را ندارد و پرونده‌های فعالین باید مختومه اعلام گردند. 9-تشکل، تجمع، اعتصاب، تحزب، آزادی بیان و عقیده، و گرامیداشت روز جهانی کارگر از حقوق پایه‌ای ما کارگران و کل جامعه هستند و باید بر آنها ارج گذاشته شود.

زنده باد اول ما می

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

1-انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

2-سندیکای نقاشان البرز

3-کانون کارگران ساختمانی کردستان

4-گروهی از کارگران و فعالین کارگری سقز

اردیبهشت 1399

@anjomanbfc

## قطعه نامه روز جهانی کارگر ۱۳۹۹ – سندج

در شرایطی جنبش بین المللی طبقه کارگر به استقبال اول مه می‌رود که اپیدمی کرونا جوامع بشری در سراسر دنیا را مورد هجوم و تهدید جدی قرار داده است. تاکنون این بیماری قابل پیشگیری جان نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر در دنیا را گرفته و بیش از سه میلیون نفر را هم مبتلا کرده است.

ما کارگران و مردم در جهان یکبار دیگر دیدیم که ادعای سرمایه داری مبنی بر “انزلی و ابدی” بودن این نظام پوچ است. دیدیم که این نظام ضد انسانی و حتی لیاقت و ظرفیت دفاع از سلامتی را ندارد. سران دولتهای سرمایه داری از دمکرات تا استبدادی، شهروندان و بویژه محرومان را به حال خود رها کرده اند. استراتژی “مصونیت گله ای” یعنی بمبیرید و بسازید تا فرمان کار اجباری در قتلگاه کرونا بدون کمترین امکانات بهداشتی، پاسخ این نظام به میلیاردها کارگر و خانواده هایشان است. این در شرایطی است که این نظام سرمایه های هنگفت صرف تولید سلاحهای ویرانگر و رقابت و جنگهای خانمانسوز میکند. تنها کمتر از ده درصد این سرمایه میتوانست هزینه کامل زیرساختهای مدرن پزشکی و درمانی و هزینه پیشگیری و آمادگی برای چنین شرایطی را تامین کند. اگر این سیاست را دنبال نمی‌کنند، بدلیل ناتوانی در محاسبه هزینه ها و نیازها نیست، بدلیل اینست که بهداشت و درمان عرصه رضایت بخشی برای سودآوری نیست. این بسادگی یعنی سود و فقط سود سرمایه بر جان انسانها مقدم است. این نظامی است که ما کارگران و ساکنین کره خاکی را اسیر کرده است.

در ایران وضعیت وحشتناک تر است. شرایط زندگی برای اکثریت جامعه یعنی مردم محروم و کارگر و زحمتکش، هر روز و هر ساعت با فقر و گرانی و فلاکت اقتصادی بدتر میشود. کرونا نیز به فقر و سیل و زلزله و کلیه فروشی و سرکوب روزانه اضافه شد. در بیماری شدید کرونا هم باید کارگر کار کند و برای سرمایه سود تولید کند. میگویند “در خانه بمانید” اما حقوق ها را پرداخت نمیکنند، وسایل بهداشتی و تست را خصوصی و بازاری کرده اند، جامعه کارگری را بین دو راهی مرگ در محیط کار آلوده و بیماری و گرسنگی به اسارت گرفته اند. این در حالی است که میلیاردها دلار هر روز اختلاس میشود، اما حاضر نیستند برای طب و درمان و بهداشت و آموزش و مسکن و معیشت، از ثروتی که ما کارگران تولید میکنیم و آنها به جیب میزنند، هزینه کنند. ما کارگران و همه مردم دنیا دیدیم که کمکهایی دریافتی از کشورهای مختلف را حتی در اختیار مردم مبتلا نگذاشتند، وسایل بهداشتی را احتکار و با بازار فرستادند تا از بیماری و رنج مردم نیز پول پارو کنند. حتی اجازه تاسیس بیمارستان به پزشکان بدون مرز ندادند تا فجایع و عملکردشان را بتوانند انکار کنند. و امروز نیز حکم به قتل عام ما کارگران داده اند. میگویند حاضرند دو سه میلیون نفر را قربانی کنند تا پیشاپیش با خیزش سی میلیون گرسنه مقابله کنند!

ما جنبش طبقه کارگر، ما از ادیخواهان، سرمایه داری و عملکرد ضد کارگری و ضد انسانی اش در بحران کرونا را محکوم میکنیم و این نظام جنایتکار را در پیشگاه بشریت از ادیخواه محاکمه میکنیم. ما کارگران میگوئیم این نظام نمیتواند جامعه را اداره کند و باید برود. ما کارگران که هر روز چرخهای جهان را بحرکت در میاوریم، هر دقیقه نیازهای میلیاردها بشر را تولید میکنیم، خود نیز میتوانیم آنرا اداره و مدیریت کنیم. این نظام شایسته بشر امروز نیست.

از اینرو ما امضاء کنندگان این قطعه نامه خواست ها و سیاست کارگران را برای اوضاع کنونی اعلام میکنیم و جامعه را فرامیخوانیم که حول آن بسیج و متحد شود:

۱- ویروس کرونا از کنترل خارج شده و با سرعت در حال گسترش است. فوراً باید مناطق مخاطره آمیز قرنطینه شود. امکانات ندادن کاتی، معیشتی و بهداشتی شهروندان مناطق قرنطینه شده، باید توسط دولت تامین شود.

۲- کلیه مراکز کار اعم از تولیدی و خدماتی تا رفع خطر بیماری کرونا تعطیل شوند. حقوق کارگران بدون کم و کاست پرداخت شود. تنها مراکز ضروری تولیدی و خدماتی و بیمارستانی با کاهش ساعت کار باز باشند.

۳- شعار “در خانه بمانید” ظاهر خوبی دارد، اما بدون نان و دارو و پشتوانه هزینه های روزانه شعاری عوامفریبانه است. برای تحقق آن تامین معیشت همه شهروندان در این دوره خواست محوری جامعه است و دولت موظف به تامین آن است.

۴- بسیاری از هم طبقه ایهای ما خانه ای ندارند که در آن بمانند. حاشیه نشینان، حلبی آبادها، کودکان کار، کارتن خوابها، گورخوابها، دستفروشان، معتادین، کارگران بخش بازیافت زباله، عمدتاً بی مسکن هستند و دولت نیز همان آلودگی خارج محدوده شان را نیز با بولدوزر ویران میکند. ما کارگران این اقدامات ضد انسانی را محکوم میکنیم و دولت را موظف به اسکان این شهروندان میدانیم.

۵- ما کارگران سیاستهای نژادپرستانه دولت و کارفرمایان در قبال کارگران مهاجر افغانستانی از جمله اخراج و ندادن هیچ امکاناتی به آنها و عدم پذیرش در بیمارستانها را قویاً محکوم میکنیم. کلیه ساکنین ایران باید بدون تبعیض از معیشت و منزلت و سلامتی و بهداشت برخوردار باشند.

۶- طرح پرداخت “بیمه بیکاری به کارگرانی که به خاطر کرونا بیکار شده اند”، فریبی بزرگ است. کار در محیط ناامن کار با اضافه کرونا جنایت علیه کارگران است. مسئولیت ایستادن با کارفرمایان و دولت است و آنها موظف به پرداخت بیمه بیکاری مکفی یا تامین معیشت استاندارد برای بیکاران هستند.

۷- اخراج ها باید ممنوع شود. کارفرمایان کرونا را بهانه بیکارسازی وسیع کرده اند. مضافاً اینکه مراحل اداری پیچیده و کشنده، آنهم برای گرفتن بیمه ای که قبلاً از حقوق ها کسر شده است، تنها ادامه سیاست مکیدن زالوصفتانه آخرین قطره های خون کارگران است. کلیه کارگران اعم از شاغل و بیکار باید مشمول تامین اجتماعی شوند و دولت در پرداخت این بیمه مسئولیت مستقیم دارد.

۸- ما “حداقل دستمزد” اعلام شده از جانب دولت را تحمیل گرسنگی و مرگ تدریجی بر کارگران و خانوادههای کارگری میدانیم. آن را به شدت مردود اعلام میکنیم. ما کارگران علیه دستمزد زیر خط فقر و علیه فقر و بیکاری بر اتحاد و همبستگی سراسری پافشاری میکنیم.

۹- تهدید و بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی ادامه دارد. ما خواهان توقف بازداشتها و احضارها و سرکوبگریها هستیم. زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. جان هزاران زندانی سیاسی و عادی در دوره شیوع ویروس کرونا در زندانها با خطر بیماری و مرگ روبرو است. ما خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان در این دوره هستیم. در دوره ای که جامعه با ترس و نگرانی ویروس کرونا روبرو است، دور دیگری از اعدامها شروع شده، ما خواهان توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام هستیم.

۱۰- ما بر آزادی بیان و عقیده، تشکل، اعتصاب، تجمع، و گردهمایی به عنوان حقوق پایه ای کارگران و مردم پافشاری میکنیم. تعطیلی روز اول مه و گرامیداشت این روز از حقوق اولیه کارگران است.

ما به پزشکان و پرستاران و کارکنان در کادر درمان، به کارگران بخش نظافت، به کارگران آمبولانسها و حمل و نقل، به کارگران مراکز تولید مواد غذایی و بهداشتی که در صف اول نجات دهندگان جامعه جهانی اند، درود میفرستیم. در بحران بیماری کرونا نیز این انسان دوستان و کارگراند که ناجیان جهان هستند نه دولتها و سرمایه داران بی خاصیت.

ما کارگران همراه با هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان روز کارگر را گرمی میداریم و با جنبش طبقه کارگر جهانی اعلام همسرنوشتی و همبستگی میکنیم. ما خود را در هر گوشه جهان بخشی از مبارزه علیه سرمایه داری و تلاش برای ایجاد جهانی آزاد و برابر و مرفه میدانیم. ما با خانواده های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا شدند اعلام همدردی میکنیم و برای بیماران آرزوی سلامتی و بهبود داریم. اول مه را به طبقه کارگر ایران و جهان تبریک میگوئیم.

۴- جمعی از کارگران اخراجی پردیس سندج

۱- جمعی از فعالین کارگری سندج

زنده باد اول مه

۵- جمعی از کارگران اخراجی شاهوسندج

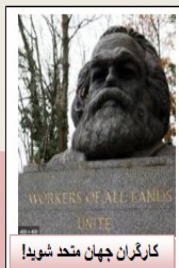
۲- انجمن کارگران فصلی و ساختمانی سندج

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

۳- جمعی از کارگران اخراجی نساجی کردستان

دهم اردیبهشت ۱۳۹۹

## تراکتهای اول مه ی



تراکت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت  
**۱ مه ی، روز جهانی طبقه کارگر (۱۳۹۹ - ۲۰۲۰)**

رفقا! نباید اجازه داد دشمنان طبقه کارگر، اعم از دولتی و غیر دولتی و هر نهاد و جریانی که به نظام حاکم خدمت میکند به اسم ما کارگران سخن بگویند؛ نباید به هیچ حزب و جریان دست راستی ملی و مذهبی و جنبشهای ملیگرا و مذهبی و احزاب به نام "کمونیست" ملی گرا و بویولیست و حامیان "جنبش همه باهم"، "جنبش سرنگونی ایران"، "جنبش خلق کردستان"، "جنبش ادربایجان" و دیگر عناوین مشابه ارتجاعی و ضد کارگری دیگر ما را به فریب خوردن دعوت کنند تا به بورژوازی و طبقه آنها خدمت کنیم، نه تنها نباید به هیچکدام از این نوجه های سرمایه داری پاسخ مثبت داد که رمز پیروزی و پیشروی ما از کانال جدا کردن سیاست و افق و صف خود از آنها میگذرد.

رفقا! ما نباید به هیچ وجه در مراسم و نمایشهای دولتی، از جمله در هفته ضد کارگری "هفته کارگر" رژیم اسلامی و هیچ راهبمایی و اقداماتی که احزاب دست راستی و دولتها مینکر و فعالش هستند شرکت نمود، بر عکس با صدای بلند باید همه شان را در روز جهانی کارگر رسوا و طرد تر کرد.

رفقا و همزمان! متأسفانه بلائی و بروس کرونا نیز به بالای سرمایه داران و جمهوری اسلامی بر زندگی ما و تحرکات اول ماه مه امثال نیز افزوده شده است. اما این موانع نیز نباید بتواند راهایی بکارگیری ابتکارات مفید و ممکن دیگر را برای به صدا در آوردن صدای ضد سرمایه دارانه ما کارگران مسدود و محدود کند. خوانندگان کار در همه مراکز، برگزاری مراسمهای آنلاین در شبکه های اجتماعی، شروع تماس با همه مراکز کارگری و تامین و تجدید اتحاد طبقاتی مان، تولید میلیونها کلیپ کوتاه از جانب فعالین کارگری و کارگران، یخش آن از جانب بخشهای مختلف جنبش، تلاش برای تامین اعتراض واحد کل طبقه علیه حداقل دستمزد بردگی امسال، دفاع از فعالین در بند و... آن حداقلها و اقدامات ضروری روز جهانی کارگر در این دوره کروئایی میتواند باشد.

امروز بیش هر زمانی باید در اشکال مختلف فراخوان سوسیالیستی برای زور و کردن جهان ظالمانه سرمایه داری و ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را به صدا در آورد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)



تراکت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت  
**۱ مه ی، روز جهانی طبقه کارگر (۱۳۹۹ - ۲۰۲۰)**

رفقای کارگر!

رهبران پیشرو و سوسیالیستهای که نمیتوانند لباس خرافات ملی و دینی و حربه های اصلاح طلبانانه و سندیکالیستی و فانویگرایانه و دیگر مزخرفات سرویس دهنده بورژوازی بر تن تان بکنند، چرا نباید جنبشمان را بعد از این همه سال و این همه جان دادن و زجر کشیدن بتوانیم متشکل و متحد و متحزب و متحد و استوار و به هم پیوسته از صف دهها میلیونی جنبشمان در ایران به سر انجام رسانید؟ اگر جنبش کارگری جنبشی مملو از اعتراض و تحرک و در جلو همه جنبشهای دیگر اجتماعی قرار دارد، که چنین است، چرا نباید توانست این جنبش و تحرک و اعتراض بیوقفه روزی از روزها به پدیده واحد و متشکل و رزمنده مدافع یکدیگر در همه مراکز تبدیل گردد؟ استبداد، فشار، حربه های سرمایه داران، و بازداشت و سرکوب که به قدمت روز جهانی کارگر و تاریخ نظام سرمایه داری وجود داشته، و در ایران ۴۱ سال تمام است داریم با گوشت و پوست و خون تجربه میکنیم و همچنان تا آنها در حاکمیت باشند این داستان دردناک ادامه خواهد داشت و ما قرار است با چنین واقعیت های بجزنگیم و قدرت را از دستشان در بیاوریم!

آیا نباید به ضعفهای خود، به ناآمادگی و عدم هوشیاری کافی خودمان و رهبران پیشرومان نیز به اندیشیم و راه عبور از آنها، که مانع جدی سر راه پیشروی و اتحادمان علیه سرمایه داران و جمهوری اسلامی است، پیدا کنیم؟ بیائید در روز جهانی کارگر به عمق درد آور این کمبودها به اندیشیم و صمیمانه برای رفع آن دست همبستگی طبقاتی دهها میلیونی خود را در هم گره بزنیم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)



تراکت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت  
**۱ مه ی، روز جهانی طبقه کارگر (۱۳۹۹ - ۲۰۲۰)**

جامعه ایران و به ویژه جنبش های مترقی فرهنگیان، زنان، بازنشستگان، جوانان و پرستاران و صف آزادیخواهان را به حمایت بیدریغ از مطالبات طبقه کارگر و همراه شدن با اقدامات روز جهانی کارگر فرامیخوانیم. هر قدم پیشروی طبقه کارگر بلاواسطه به پیشروی کل جامعه از جمله جنبشها و بخشهای های مترقی و کارکن و زحمتکش جامعه در مقابله با ارتجاع سرمایه داری و جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. از همه شهروندان در شرایط کنونی قرنطینه در کشور میخوانیم در صبح روز ۱۱ اردیبهشت به یاس احترام به تلاش طبقه کارگر، برای ادای احترام برای هزاران جانباخته این طبقه و در حمایت از مطالبات کارگران، و برای آزادی فعالین کارگری در بند، با بر افراشتن پرچم سرخ، صدای خود را با طبقه کارگر همصدا کرده و در منازل خود مراسمهای اول مه خانوادگی گرفته و در شبکه های اجتماعی بطور زنده آنها یخش نمایند.

زنده باد اول مه، روز جهانی اعتراض و همبستگی طبقه کارگر!  
 گرامی باد یاد کارگران و کودکان کار جانباخته در شهرها و مراکز کار!  
 مرگ بر نظام سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!  
 زنده باد سوسیالیسم!، زنده باد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر!  
 حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)

تراکتهای اول مه ی

LONG LIVE 1 MAY

Not to capitalism, not to the Islamic Republic

زنده باد روز جهانی کارگر  
نه به سرمایه داری، نه به جمهوری اسلامی



این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت



تراکت حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت  
۱ مه ی، روز جهانی طبقه کارگر (۱۳۹۹-۲۰۲۰)

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با وجود موانعهای واقعی و ویروس کرونا امیدوار است با بکارگیری دیگر ابتکارات کارگران و زحمکنشان و صف آزادیخواهان، با رعایت اکید مخاطرات و ویروس کرونا، بتوانند متحدانه به استقبال اول مه با شکوه در همه مراکز کارگری و شهرهای ایران بروند! حزب در عین حال کل طبقه و رهبران سوسیالیست کارگری را فرامیخواند برای تدارک و رهبری کردن روند پیچیده و سخت سرنگونی تمام بساط جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران بطور جدی خود را آماده کنند، اولین ملزومات آن تامین و تدارک صف مستقل و متشکل و متحزب طبقاتی خود در جدال طبقاتی سختی است که پیش روی خود داریم، و این مبارزه تنها با بدست گرفتن پرچم و آلترناتیو و افق روشن سوسیالیستی طبقه کارگر ممکن میگردد و قادر خواهد شد مسیر پیروزی اش را طی کند. حزب سوسیالیست انقلابی طبقه کارگر را به این مبارزه و به پیوستن به حزب خود، حزب سوسیالیست انقلابی ایران، فرامیخواند.

ما طبقه کارگر ایران را فرامیخوانیم که از هم اکنون تا روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی طبقه کارگر، متحد و یکپارچه پاسخ نه بزرگی را به تصمیم جنایتکارانه حداقل دستمزد سال ۹۹ دولت و سرمایه داران، که پنج تا شش برابر زیر خط فقر قرار دارد، بدهند. باید بتوانیم کل جنبش و طبقه مان را برای گرفتن حق حداقل دستمزد ۸-۹ میلیون، در روز جهانی کارگر، و تا تحقق این مطالبه سرنوشت ساز ادامه داد. همزمان با اعلام مخالفت با شروع بیکارسازیها، اعلام ممنوعیت اخراج، علیه نبود امنیت اقتصادی، ضرورت دفاع از فعالین زندانی و مطالب آزادی فوری زندانیان و اعلام مخالفت با سیاست رفع قرنطینه از جانب جمهوری اسلامی، به عنوان اقدامات ضد کارگری و ضد انسانی قاطعانه باید ایستاد.

نه به حداقل دستمزد بردگی تحمیلی سال ۱۳۹۹!  
زنده باد اول مه، روز جهانی اعتراض و همبستگی طبقه کارگر!  
گرامی یاد کارگران و کودکان کار جانباخته در شهرها و مراکز کار!  
مرگ بر نظام سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد سوسیالیسم!، زنده باد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
Iransocialist2017@gmail.com



تراکت حزب سوسیالیست انقلابی ایران به مناسبت  
۱ مه ی، روز جهانی طبقه کارگر (۱۳۹۹-۲۰۲۰)

"ضدیت با کارگر و سوسیالیسم و آزادی و برابری در ایران فقط ویژه جمهوری جانی اسلامی نیست!، نه فقط دولت و طبقه حاکمه که حتی بقیه شاخه های رنگارنگ بورژوازی اعم از پوزسیون و اپوزسیون، شونیسیم و ناسیونالیسم، شیعه و سنی، ملی گرا و اصلاحگرا، سلطنت طلب و فدرالیست خواه دقیقا همان سنت و سیاست و آینده ی ضد انسانی، ضد کارگری، ضد رفاه و خوشبختی و ضد آزادی و برابری را نمایندگی میکنند. همه اینها مانند جمهوری اسلامی طرفداران جدی نظام پر از جنایت و جنون سرمایه داری و ارگانهای ایدئولوژیکی و خرافی این نظام طبقاتی و ابزارهای سرکوب و تحمیق جامعه هستند. طبقه کارگر ایران بدون آگاهی بر این واقعیتها و مقابله کردن جدی با آن، بدون جدا کردن صف خود با این صف ارتجاعی بورژوازی، بدون بدست گرفتن محکم سیاست و پرچم و آلترناتیو سوسیالیستی قادر به رهائی از شرایط فلاکت بار تحمیل شده بورژوازی ایران و دولت و اپوزسیون این طبقه فاسد و دزد و استثمارگر نخواهد شد!

اول ماه مه روز جهانی کارگر است! یعنی نه گفتن به همه آن دولت و طبقه و احزاب و جنبشهای دست راستی در پوزسیون و اپوزسیون!، یعنی روز نه گفتن سوسیالیستی به نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی!، یعنی روز تعمق به این حقیقتهای تلخ و درد آور: تا کی ستم و استثمار و نابرابری؟ تا کی نسل بعداز نسل مرگ و کار؟ تا کی کودکان کار و خیابانی؟ تا کی کولبری؟ تا کی تحقیر کارگر؟ تا کی ممانعت از ایجاد تشکل و تحزب مستقل کارگری؟ تا کی ما اکثریت کارگران و زحمکنشان کار کنیم اما یک مشت سرمایه دار انگل، یک مشت خرافه پرست ملی گرا و مذهبی و عقب مانده و بازیچه دست سرمایه داران و زورگویان، یک مشت دولتتها و نظامیان سرکوبگر و مفت خور از قبیل کار ما زندگی کنند؟ تا کی و چند سال دیگر باید روز جهانی کارگر را برگزار کنیم و مشغول طرح مطالبات بسیار اولیه و نازل باشیم؟ تا کی و چند بار دیگر و چند سال دیگر باید مبارزه و انقلاب و شورش و اعتراض کنیم اما حاصل آن باز به جیب طبقات دیگر برود. تا کی؟ تا کی...؟؟، بیدار شو ای غول خفته!، بیدار شو تن خسته ات را از زیر آوار سرمایه داران فاسد بیرون بکش و سرود آزادی و برابری و سوسیالیسم را بر ویرانه های حاکمیت سرمایه داری و دولتهای فاشیست مذهبی و دمکراسی و ملی گرایی شان به صدا در بیاور و حاکمیت انسانی، شورائی و سوسیالیستی ات را اعمال کن!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
Iransocialist2017@gmail.com

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)  
[مقالات در نشریه](#)  
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

### به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



## پیام سلام زیجی به مناسبت اول مه ی، روز جهانی کارگران

رفقا و همزمان!

فرا رسیدن روز جهانی طبقه کارگر

را به همه شما کارگران و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگویم. به این امید، در کنار ضرورت عبور کم مشقتر از ویروس کرونا، با تلاش و مبارزه متحد کارگری و سوسیالیستی بتوانیم سال جاری را به سال بهتری برای خود و جامعه تبدیل کرده و بیش این اجازه به تعرض لجام گسیخته سرمایه داران و دولت فاشیست و ضد کارگری جمهوری اسلامی داده نشود. به این امید جامعه با تمام قدرت از اول مه و از مبارزه طبقه کارگر حمایت کند.

در روز جهانی کارگر، کمونیستها و کارگران به همراه مردم آزادیخواه و برابری طلب متحدانه به میدان میآیند تا یکبار دیگر شرط اول دستیابی به آزادی، رفاه، برابری، سعادت، و خوشبختی انسان، و همچنین شرط اول پایان دادن به تروریسم و تحمیل جنگهای ویرانگر و کشتار جنایتکارانه مردم و پایان دادن به استثمار وحشیانه کارمندی را تنها با پایان دادن به عمر فاسد نظام حاکم سرمایه داری و تمام ارکان ایدئولوژیکی، فرهنگی، اخلاقی، و خرافی آن را اعلام کنند.

در این روز اعلام میکنیم که تنها با پیروزی طبقه کارگر و کمونیسم این هدف متحقق خواهد گردید. در روز جهانی کارگر با صدای رساتر اعلام خواهیم کرد که برای تحقق این اهداف والای انسانی کل طبقه کارگر و صف آزادیخواهان باید متحدانه به میدان بیایند و در حزب سوسیالیستی و کارگری واقعی خود متحد شوند و پرچم کمونیستی مارکس را بیش از پیش بر افراشته تر نگاهدارند.

انسانها باید و حق دارند از امنیت، رفاه و همه آزادیهای سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند. برای اینکه بتوان امنیت، آزادی، رفاه همگانی و در شان انسان را متحقق کنیم باید نظام اجتماعی حاکم، و نظامی که با آزادی و برابری و رفاه همگانی در تناقض قرار دارد و با فلسفه وجودی آن همخوانی ندارد با انقلاب کمونیستی و با قهر قیام کارگری و ارتش توده ای سرخ آزادی به زیر کشیده شود!

گرامی باید یاد عزیز همه کارگران جانباخته در میدانهای غیر انسانی کار مزدی نظام مرگ و جنون جمهوری اسلامی و سرمایه داران انگل!

درود های کارگری و انقلابی میفرستم برای همه فعالین عزیز در بند و خواهان تلاش گسترده برای آزادی فوری آنها هستیم!

دست همه فعالین و رهبران دلسوز و سوسیالیست جنبشمان را به گرمی میفشارم، و آرزومندیم بیش از پیش برای امر سرنوشت ساز تامین اتحاد طبقاتی و سوسیالیستی و تشکل یابی توده ای طبقه و جنبشمان تلاش نمایند!

**مرگ به سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!، زنده باد سوسیالیسم!**

اول ادریبهشت ۱۳۹۹-۲۰ آوریل ۲۰۲۰



**اخراج و بیکار سازی موقوف!**